

منابع اولیه تصوف و عقاید تستری

ترجمه: آزاده حیدری

در منابع اولیه ای که در زمینه تصوف تألیف شده، از سهل تستری به طرق مختلف: بی نام، با اسمش سهل بن عبدالله، با کنیه اش ابومحمد و یا با شهرتش تستری یاد شده یا اقوالش نقل شده است. در این منابع تستری به عنوان مؤلفی سترگ که مجموعه‌ای ارزشمند از کلمات قصار و گفتارهای عرفانی از خود به جای گذاشته مطرح می‌شود. تستری همچنین حکایات فراوانی در توضیح کلمات قصار و مواعظ به شیوه زاهدانه و عارفانه می‌آورد. این مواعظ، حکایت‌ها و کلمات قصار در کنار زندگانی و افکار تستری، می‌تواند شکل دهنده مکتب، آرا و عقاید سهل تستری باشد. این اقوال و عقاید را ابتدا شخص خودش، به عنوان مؤلف اصلی ایجاد نمود و پس از آن توسط گروهی از پیروان او ثبت، گردآوری و نقل شد؛ به طوری که در مآخذ کهن صوفیه می‌توانیم شاهد این مطالب با درجه‌بندی‌های متفاوت و متنوع باشیم. اگرچه عقاید ثبت شده تستری در این منابع، انعکاس دهنده حجم بالای آموزه‌ها و تعالیم تستری است، اما عقاید وی را تمام و کمال شامل نمی‌شود.

منابع موجود در زمینه آرا و عقاید تستری در سه طبقه اصلی ذیل تقسیم‌بندی می‌شوند:

۱- عقاید و آرای تستری تا سال ۳۵۶ ق/ ۹۶۷ م؛ که در آثار منتسب به تستری انعکاس یافته است.

۲- عقاید تستری از سال ۳۵۶ تا ۴۶۵ ق/ ۹۶۷ تا ۱۰۷۴ م، که در این دوره بخش مهم عقاید او در منابع اصلی در زمینه علم تصوف موجود می‌باشد.

۳- اقوال و مطالبی که درباره تستری و اقتدار و نفوذ او در منابع بعد از سال ۴۶۵ ق/ ۱۰۷۴ م نقل شده، همان مطالب دوره پیشین همراه با ارائه اندکی اطلاعات اضافی در این زمینه است. شکاف و فترتی که در سال ۳۵۶ ق/ ۹۶۷ م و در سال ۴۶۵ ق/ ۱۰۷۴ م ایجاد شد، با گسترش و بسط منابع نخستین و مقدماتی در حوزه تصوف، خصوصاً در بررسی عقاید تستری جبران گردید که به آنها اشاره خواهد شد.

۱- **عقاید تستری تا پیش از سال ۳۵۶ ق/ ۹۷۶ م**
منابع اولیه تصوف در این دوره به بیان عقاید و طریقت تستری پرداخته و منحصر بر آموزه‌ها و آداب عملی صوفیانه تستری متمرکز هستند.

گرهارد باورینگ Gerhard Bowering

گرهارد باورینگ لیسانس الهیات را از دانشگاه مونترال گرفت و از دانشگاه مک‌گیل موفق به اخذ درجه دکترا شد. وی از سال ۱۹۸۴ استاد مطالعات دینی در زمینه اسلام بوده است. او پیشتر در دانشگاه پنسلوانیا تدریس می‌نمود و در دانشگاه‌های اینسبورگ، پرینستون و «موسسه مطالعات پیشرفته پرینستون» استاد مدعو بود.

نخستین اثر او درباره سهل تستری بود.

باورینگ مقالات فراوانی به رشته تحریر در آورد که از جمله آنها مقالاتی است که در دایره المعارف‌های اسلامیکا، قرائنکا و ایرانیکا آمده است.

برخی از آثار باورینگ که در دست چاپ است، به قرار زیر است:

- اسلام و مسیحیت: دینامیک درونی دو فرهنگ اعتقادی *The Inner Dynamics of Two Cultures of Belief* که این کتاب در سال ۲۰۰۷ توسط انتشارات دانشگاه نتردام چاپ خواهد شد.

و نیز کتابی تحت عنوان:

The Dreams and Labors of Central Asian Muslim Mystic

باورینگ در سال ۲۰۰۵-۲۰۰۶ از دانشگاه گاننهایم (Guggenheim) یک بورسیه علمی پژوهشی دریافت کرد و نیز از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۶ چندین بورسیه از موسسه مطالعات پیشرفته پرینستون دریافت نمود.

او در سال ۲۰۰۴ در نتردام سلسله سخنرانی‌هایی درباره اراسیموس ایراد کرد. باورینگ به دلیل تخصصش در زمینه ادیان به خصوص اسلام، علاقه وافری به مطالعه و پژوهش درباره عرفان و تصوف در اسلام داشت، لذا نخستین اثر خود را به این موضوع اختصاص داده و کتابی تحت عنوان: «نگاه و برداشت عرفانی از وجود در اسلام کلاسیک» *Mystical Vision of Existence in Classical Islam: The Quranic Hermeneutics of the Sufi Sahl at-Tustari (d. 283/896)*.

نگاشت (بیروت چاپ اول ۱۹۹۵ چاپ دوم ۱۹۹۷) که در آن به بررسی عقاید و آرای سهل، زندگی‌نامه، مشایخ و شاگردان سهل، تفسیر و تاویلات قرآنی سهل تستری (که در کتاب تفسیر سلمی) آمده، پرداخت و نیز منابع دیگر آن دوره و همچنین منابع متأخر را که اقوال سهل در آن‌ها آمده مورد نقد و بررسی قرارداد.

این کتاب در شش فصل تنظیم شده است. فصل نخست این کتاب را تحت عنوان «منابع نخستین تصوف و عقاید تستری» که رویکردی تحلیلی از موضع نقد آثار و اقوال و آداب مکتب و سهلیه دارد، برای ترجمه برگزیدیم که پس از ترجمه توسط همکارمان اینک تقدیم می‌گردد.

دفتر مجله

اشاره و ارجاع اصلی این منابع به خود تستری است و اندیشه‌ها و آداب سلوکی دیگر پیران صوفیه تنها هنگامی که با تستری مرتبط باشند، مورد توجه قرار می‌گیرد. تمامی منابع این دوره، تستری را به عنوان مؤلفی که مرجع آنان در تدوین آثار بوده و نیز به عنوان مرشدی پرکار و خلاق مطرح می‌کنند.

مدارک کتابشناسی حاصل از منابع مربوط (در زمینه تصوف) و بررسی نسخ خطی موجود نشان می‌دهد که تستری، در حقیقت، شخصاً مؤلف آثار در حوزه تصوف بوده و آثاری که به تستری منسوب است اما توسط مریدان او گردآوری شده نیز اساساً بر تعالیم تستری متکی هستند. بنابراین، عقاید تستری موجود در این دوره، معتبر و موثق هستند حتی اگر بخش مهم و قابل توجهی از آنها توسط پیروان و مریدان او جمع‌آوری شده باشد.

شاگردان و پیروان تستری، مجموعه تعالیم استادشان را، که عمدتاً خود تستری به وجود آورده و توسط مریدانش حفظ شده بود، ارائه و نشر دادند. آنان بخشی از این تعالیم را تحت عنوان «کلمات قصار استاد ما» و بخشی را به عنوان شرح و تفسیر او بر آیات قرآنی و بخشی دیگر را به شکل روایات حکایت گونه تستری شکل دادند و در پایان بخشی را به شرح و توضیح خودشان از این مطالب اختصاص دادند. طی مراحل انتقال این مطالب، پیروان تستری میزان موجه و معقولی از تفاسیر و توضیحات به متن اصلی عقاید تستری می‌افزودند که ردپای این تفاسیر در آثار منتسب به تستری مشخص است.

از عقاید تستری موجود در این دوره، آثار خاصی قابل ذکر است. که البته امروزه از بین رفته‌اند، اما عناوین آنها در متون کتابشناسی ثبت شده است قطعات فراوانی از این آثار در منابع صوفیه زمان‌های بعدی به صورت مجموعه آورده شد که بعضی از بخش‌های آنها به علت آسیب‌های زمانی به کلی حذف یا برای همیشه مفقود شده‌اند. علی‌رغم این نقایص، منابع موجود در این دوره زمانی، دربردارنده بخش اعظم آثار موثق

و ناب از عقاید تستری است. منابع این دوره می‌بایست با رعایت جزئیات و با استفاده از مدارک کتابشناختی مستند شوند؛ البته مدارک کتابشناسی‌ای که مرتبط با آثار تستری بوده و بتواند نسخ خطی موجود از آثار منسوب به تستری را بررسی منتقدانه کند.

انتقال دهندگان افکار و آرای تستری، تنها به کپی‌برداری از متون نوشتاری تستری بسنده نمی‌کردند، بلکه به آموزش‌های گفتاری و شفاهی استاد خود نیز می‌پرداختند. به طوری که گستره و تنوع عظیمی از گفتارهای شفاهی تستری و شرح‌هایی درباره آیات قرآن، واقعاً نشان دهنده ویژگی‌های متمایز آموزش‌های شفاهی وی است.

الف) مدارک کتابشناسی

ابوالفرج بن الندیم (متوفی ۳۸۵ ق/ ۹۹۵ م) در «کتاب الفهرست» خود، که در تاریخ ۳۷۷ ق/ ۹۸۸ م کامل شده است، سه اثر را به تستری نسبت می‌دهد، آثاری که امروز طبق عناوینی که در کتاب الفهرست آمده است، مفقود و یا ناشناخته باقی مانده‌اند و عبارتند از: «کتاب دقائق المحبین»، «کتاب مواعظ العارفين» و «کتاب جوابات اهل اليقين».

و این گونه بود که تستری در کمتر از صد سال پس از مرگش در الفهرست این ندیم، که تاریخ کلاسیک ادبیات عرب است، به عنوان نویسنده رسالات و متون صوفیه شناخته شد.

در کتاب التعریف، کلاباذی (متوفی ۳۸۰ ق/ ۹۹۰ م)، نام تستری را نه تنها در میان آن دسته از صوفیانی که مطالبی راجع به علوم اشارات و کنایات در کتاب‌ها و رسالات خود به چاپ رسانده‌اند، ذکر نکرده، بلکه وی را جزء افرادی که راجع به آداب و سلوک صوفیان مطالبی نوشته‌اند نیز به حساب نیاورده است.^۲ از طرفی دیگر در کشف‌المحجوب جلابی هجویری (متوفی ۴۶۹ ق/ ۱۰۷۷ م)، تستری را در زمره افراد صاحب رسالاتی جامع در زمینه قواعد و آداب مصاحبت صوفیان برمی‌شمرد.^۳ مطابق با یادداشتی که کاتب رسائل الجنید (متوفی ۲۹۸ ق/ ۹۱۰ م) [اسماعیل بن سودکینی شاگرد ابن عربی] در قرن ۷ ق/ ۱۳ م

به جای گذاشته است، تستری با تألیف کتاب الميثاق^۴ به عنوان مؤلفی معتبر در حوزه تصوف شناخته شد. ابن خلدون (متوفی ۸۰۸ ق/ ۱۴۰۶ م) در کتاب العبر خود، کتاب زایرجه را به سهل تستری نسبت داده است.^۵

ابن قطلوبغا (متوفی ۸۷۹ ق/ ۱۴۷۴ م) در کتاب تاج التراجم^۶ خود، کتاب طبقات الصوفیه را به تستری نسبت داده است؛ احتمالاً این سخن درستی نیست و یا در اثر غفلت نام ابو عبدالرحمن سلمی با نام تستری اشتباه شده و در اصل مؤلف طبقات الصوفیه سلمی است نه تستری.

داوودی (متوفی ۹۴۵ ق/ ۱۵۳۸ م) در طبقات المفسرین خود، تستری را به عنوان مؤلف در زمینه تفسیر قرآن معرفی می‌کند، اما به علت وجود نقاط کور و نکات و عبارات متناقض در برخی نسخ خطی، ما اطلاعات بیشتری در این زمینه نداریم.^۷

عبدالرؤف مناوی (متوفی ۱۰۳۲ ق/ ۱۶۲۲ م) در الکواکب الدریه خود، کتاب‌های دقائق المحبین، مواعظ العارفين و جوابات اهل اليقين^۸ را از تستری برمی‌شمرد.

مصطفی بن عبدالله حاجی خلیفه کاتب حلبی (متوفی ۱۰۶۷ ق/ ۱۶۵۷ م)، در آخرین سال حیات خود، دائرة المعارف کتابشناسی، به نام کشف‌الظنون را تدوین کرد. در این دائرة المعارف دو مورد را از آثار تستری می‌شمرد: ۱- الغایة لاهل النهایة و ۲- قصص الانبياء^۹ مطابق با رساله المنهيات (فهرست نسخ خطی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، شماره ۲۵۱) که در سال ۱۲۷۹ ق/ ۱۸۶۲ م استتساخ شده، تستری به عنوان نویسنده کتاب دية القلوب شناخته شده است.

اسماعیل پاشا بغدادی (متوفی ۱۳۳۸ ق/ ۱۹۲۰ م) در هدیه العارفين خود، تستری را به عنوان نویسنده شش اثر معرفی می‌کند: جوابات اهل اليقين، دقائق المحبین، زایرجه، الغایة لاهل النهایة، قصص الانبياء و مواعظ العارفين.^{۱۰} وی زایرجه را به عناوینی که ابن ندیم و حاجی خلیفه نام برده بودند، اضافه کرد.

از جمله گزارش‌ها و تاریخچه‌هایی که، مقارن با هم و در زمینه ادبیات عرب هستند، می‌توان به اعلام خیرالدین زرکلی اشاره کرد. او تفسیر القرآن و دقائق المحبین را از آثار تستری برمی‌شمرد^{۱۱}، در حالی که عمر رضا کحاله در معجم المؤلفین خود، آثار زیر را به تستری نسبت داده است: دقائق المحبین، مواعظ العارفين، جوابات اهل اليقين، تفسیر القرآن الکریم و قصص الانبياء.^{۱۲}

بروکلان^{۱۳} راجع به آثار تستری، به سه نسخه خطی تفسیر - که به تستری نسبت داده شده است - و یک نسخه خطی کتابخانه کوپریلی با شماره ۷۲۷ اشاره می‌کند و ما را به آنها ارجاع می‌دهد. از طرفی تقریباً تمامی آثار موجود و منسوب به تستری در تاریخ التراث العربی سزگین یافت می‌شود، به طوری که شامل ارجاعات بروکلان به نسخ خطی فوق‌الذکر نیز می‌باشد.^{۱۴}

پس از قرن ۴ ق/ ۱۰ م تستری در منابع مهم کتابشناسی اسلامی، به عنوان نویسنده مقالات و رسالات صوفیه شناخته می‌شود و عناوین کتب زیر به او نسبت داده می‌شود: دقائق المحبین، مواعظ العارفين، کتاب جوابات اهل اليقين، کتاب الميثاق، طبقات الصوفية، الغاية لاهل النهاية، قصص الانبياء، کتاب دية القلوب، زیراجه.

اگرچه تفسیر تستری؛ در یک زمان در نخستین منابع کتابشناسی وارد شده، با این حال به نظر می‌رسد که شمس‌الدین داودی در قرن ۱۰ ق/ ۱۶ م با این اثر آشنا شده. به هر حال همه آثاری که در بالا ذکر شد، حاوی مضامین صوفیه و تصوف می‌باشند اما هیچ کدام از نسخ خطی موجود از آثار منسوب به تستری کتب فوق‌الذکر را متعلق به تستری نمی‌دانند (البته، احتمالاً بجز قصص الانبياء).

ب) آثار موجود منسوب به تستری
بررسی آثار موجودی که به تستری نسبت داده شده‌اند، می‌تواند بر پایه فهرست منابعی خطی‌ای باشد که سزگین [در تاریخ التراث العربی] ارائه داده که با کمی تغییر و تصحیح به شرح ذیل است:

- کتاب تفسیر القرآن الکریم

- کلام سهل بن عبدالله

- کتاب الشرح و البیان لما اشکل من کلام

سهل

- کتاب المعارضه و الرد علی اهل الفرق و

اهل الدعوی فی الاحوال

- کلمات الامام الربانی سهل بن عبدالله

تستری

- کتاب لطائف القصص

- رساله فی الحروف

- رساله المنهیة

- رساله فی الحیکم و التصوف

سزگین معتقد است مؤلف رساله فی الحکم

و التصوف ۷ ق/ ۱۳ م تنها گفتارها و مواعظ

منتخب از اقوال تستری را از رساله قشریه

برگرفته و یکجا گرد کرده است.^{۱۵}

همچنین سزگین مناقب امام اهل الحق الی

الحق و مناقب اهل الله عز و جل را نیز به

تستری نسبت داده است.

اگرچه در صفحه عنوان نسخه خطی ذکر شده

که سهل تستری گردآورنده این متن است و شیخ

محمد الرائینی آن را شرح کرده است اما از آن جا

که متن موجود در نسخه خطی عمدتاً درباره یک

صوفی اهل مصر و عضو گروه شادلی است و هیچ

ارتباطی حتی یک ارجاع هم به تستری ندارد،

فاقد ارزش است.

بنابراین، علی‌رغم محدودیت‌های فراوان در دسترسی به نسخ خطی منسوب به تستری، ما می‌توانیم در تفسیر تستری و نسخه خطی کوپریلی، شماره ۷۲۷، که در اختیار داریم به بخش اصلی و مهم عقاید اولیه تستری دسترسی پیدا کنیم.

نسخه خطی کوپریلی (شماره ۷۲۷)

این نسخه ۲۴۳ برگ بوده و به سه بخش

اصلی تقسیم می‌شود:

۱- کلام سهل بن عبدالله (از صفحه ۱ الف

- ۱۵۳ ب)

۲- کتاب الشرح و البیان لما اشکل من کلام

سهل (از صفحه ۱۵۴ الف - ۲۰۶ ب)

۳- کتاب المعارضه و الرد علی اهل الفرق واه

ل‌الدعوی فی الاحوال (از صفحه ۲۰۶ الف -

۲۴۳ ب)

بعد از ورقه سفید اول و پیش از پیشگفتار

نسخه کوپر، این نسخه با دو حکایت از سهل

آغاز شده که از مصارع العشاق ابو محمد جعفر

السراج (متوفی ۵۰۰ ق/ ۱۱۰۶) نقل شده

است.

این نسخه از صفحه ۱ الف تا ۲۴۳ ب

شماره‌گذاری شده و در ابتدای نسخه، صفحه

عنوان آمده است. در کل حدود ۱۲ تا ۲۰ برگ

از این نسخه خطی از بین رفته است.

سزگین، اولین بخش این نسخه خطی

را با عنوان کلمات سهل بن عبدالله تستری

نامگذاری می‌کند؛ شاید به این دلیل که

عنوان «کلمات الامام الربانی سهل بن عبدالله

تستری» در صفحه عنوان آورده شده است.^{۱۷} به

هر حال بهتر این بود که عنوان آن را «کلام

سهل عبدالله» و یا کلام سهل می‌گذاشت.

بخش اول به پنج بخش فرعی (جزء) با

اندازه‌های متفاوت تقسیم می‌شود (از صفحه

۱ الف تا ۷۹ ب)، بخش دوم (از صفحه ۷۹

ب تا ۱۵۳ ب) گاهی با تقسیمات فرعی به

فصل‌های کوچکتری (باب) تقسیم می‌شود.

بخش اول (صفحه ۱ ب - ۱۵۳ ب)

مجموعه‌ای از گفتارهای تستری را شامل

است که در چند مورد تکرار مطلب در آن دیده



می‌شود و ظاهراً ساختار اصولی خاصی در ترتیب مطالب دیده نمی‌شود. تقسیمات فرعی موجود مستلزم تقسیم‌بندی موضوع خاصی نیست و گاهی به نظر می‌رسد پیوندهای موضوعی خاصی، شکل دهنده بخش‌هایی از اقوالی است که بر اندیشه‌ها، تفکرات و کلید واژه‌های صوفیانه و عارفانه تستری متمرکز شده است. همه این اقوال به تستری نسبت داده شده و نظائر بعضی از آنها در تفسیر تستری دیده می‌شود و یا اظهارات مشابهی در منابع اولیه صوفیه درباره وثوق و اقتدار تستری آمده است.

بخش دوم نسخه خطی کوپریلی (شماره ۷۲۷) به نام کتاب الشرح و البیان تألیف عبدالرحمن صقلی (ق ۴) است. (از صفحه ۱۵۴ الف - ۲۰۶ الف) است و به علت داشتن خطبه علیحده و مستقل در ابتدا و انتها به عنوان واحدی مجزا در این نسخه خطی محسوب شده و به تفسیر مشکل‌ترین نکات نظریه تستری پرداخته و مجموعه اقوال تستری را آورده و در هر مورد به دنبال هر مطلبی، توضیحات دقیق عبدالرحمن الصقلی آورده شده است.^{۱۸} این بخش به طور واضح توسط شخص صقلی گردآوری شده است و مطالب او مطابق با گفتارها و تفسیرهای تستری انتخاب شده است.

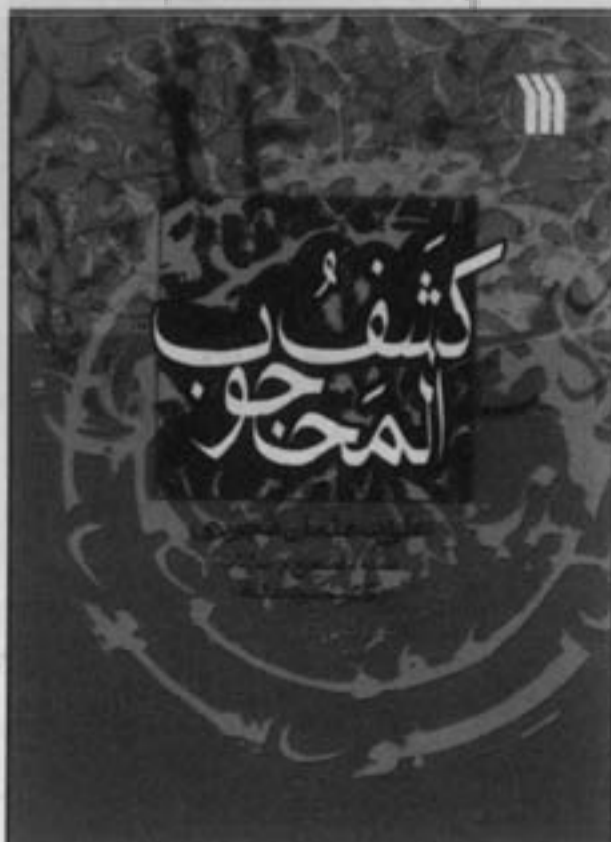
المعارضه (از صفحه ۲۰۶ الف تا ۲۴۳ ب) سومین بخش نسخه خطی کوپر است. این بخش نیز به علت داشتن خطبه مستقل و انجامه به عنوان واحدی مجزا محسوب می‌شود و به طور کلی به توضیح اقوال تستری می‌پردازد که گاه متناوباً توضیحاتی را در شرح اقوال از صقلی می‌افزاید. در این بخش از صفحه ۲۱۲ ب - ۲۰۶ ب مطالب دیگری وارد شده است به طوری که از صفحه ۲۰۶ ب - ۲۰۹ ب مجموعه‌ای از حکایات تستری به همراه ارجاعات آن و از صفحه ۲۰۹ الف - ۲۱۲ ب متن به حالتی دیگر تبدیل شده و به ردالمعارضه می‌پردازد و مباحث کلامی تستری را در رد قدریه و مرجئه بیان می‌کند. هر دو بخش دوم و سوم، یعنی الشرح و

المعارضه به وضوح بخش‌هایی از کلام سهل می‌باشند و این مطلب را می‌توان از طریق خطبه آغازین هر دو فهمید. در صفحه آخر از بخش سوم می‌خوانیم: «تم کتاب الشرح من کلام سهل»؛ کتاب شرح کلام سهل به پایان می‌رسد. (ر.ک: ۲۴۳ الف)

اگر نسخه خطی کوپریلی شماره ۷۲۷ به شکل کلی بررسی شود، نشان می‌دهد که به طور کلی مجموعه‌ای از اقوال سهل تستری (کلام سهل) است که البته هیچ قاعده و شیوه خاصی در تنظیم آن به کار نرفته است. بخش دوم و سوم این نسخه خطی با توضیحات و تفاسیر صقلی مرتبط بوده و این دو بخش را به شکل مجزا و مستقل ارائه می‌دهد.

از ارتباط ارگانیکی که میان اقوال تستری و شرح صقلی بر آن وجود دارد، روشن می‌شود که زمان گردآوری مطالب قبل از فوت صقلی بوده است.

نگارنده با این اظهار نظر که تستری خود مؤلف «کلام سهل» نیست مخالف است اگرچه دیدگاه سزگین این است که به احتمال خیلی ضعیف در قرن ۷ ق/ ۱۳ م جمع‌آوری شده است.^{۱۹} و معتقد است این کتاب نسخه‌ای است که در قرن ۷ ق/ ۱۳ م از روی مجموعه‌ای از کلام سهل [متعلق به قرن چهارم قمری] که ابتدا توسط گروهی از مریدان و اخفاء تستری، احتمالاً احمد بن سالم بصری (متوفی ۳۵۶ ق/ ۹۶۷ م) گردآوری شده و توسط عبدالرحمن



صقلی شرح و بسط شده، کتابت شده است. در این جا چهار نکته مهم، باید مورد توجه قرار گیرد:

اول این که هیچ یک از منابع بررسی شده تصوف، نمی‌تواند به عنوان منبعی صریح و بی‌واسطه برای همه مطالب موجود در نسخه خطی کوپریلی شماره ۷۲۷ باشد؛ دوم این که، شباهت‌های موضوعی فراوانی بین مطالب این نسخه خطی و نقل قول‌های تستری در کتاب تفسیرش و در منابع نخستین صوفیه وجود دارد؛ سوم این که محتوا، ساختار و شیوه تنظیم بخش اول (کلام سهل) و بخش‌های دوم و سوم (الشرح و المعارضه) آن چنان متفاوت نیستند، البته بجز تفاسیر اضافه‌ای که توسط صقلی بیان شده است؛ چهارم این که، بخش سوم (شروع در صفحه ۲۰۶ ب) با مقدمه‌ای از ابوالقاسم عبدالرحمن بن عبدالله الصقلی زاهد شهر القيروان (واقع در آفریقای شمالی) شروع شده - کسی که با اجازه محمد بن عبدالله نهبوندی در بصره، روایت می‌کرد - که ابوالحسن احمد بن محمد بن سالم بصری پنج هزار سؤال از تستری درباره دیدگاهش راجع به برخی نظریه‌های عرفانی مهم می‌پرسد. انطور که احمد بن سالم ادعا کرده، پاسخ این سؤالات را ثبت و ضبط نکرده است و فقط آنها را در ذهن خود نگاه داشته تا زمانی که، آنها را به نهبوندی منتقل نمود.^{۲۰} این مقدمه هدف واضح و خاصی دارد و می‌کوشد تا سندیت و اعتبار گفتارهای تستری را، که در این کتاب آمده و به او نسبت داده شده است، ثابت کند؛ البته به رغم فاصله زمانی ایجاد شده بین زمان احمد بن سالم به عنوان گردآورنده با زمان تستری، به عنوان مؤلف آثار.

در واقع این مقدمه درصدد آن است که توضیح دهد که این مطالب و گفتارها در پرتو چکیده و خلاصه‌ای که احمد بن سالم از عقاید و تعالیم تستری به شکل پند و موعظه ارائه داده، قابل فهم است. بنابراین، تستری منبع اصلی مضامین نسخه خطی کوپریلی (۷۲۷) است؛ البته با در نظر گرفتن این که احمد بن سالم به عنوان مؤلف و صقلی به

عنوان گردآورنده، انتقال دهنده و مفسر نهایی می‌باشد.

کتاب الشرح (بخش دوم نسخه کوپریلی) ابوالقاسم عبدالرحمن بن محمد صقلی (ص ۱۵۴ الف) را گردآورنده قطعی و مسلم خود می‌داند و او را الشیخ العارف معرفی می‌کند. کتاب المعارضه او را به عنوان «زاهد شهر قیروان» معرفی می‌کند. مدارک بیشتری که در نسخه خطی کوپریلی درباره صقلی موجود است، بیانگر این است که (ص ۲۰۷ ب) که صقلی، «کلام سهل» را با اجازه ابومحمد بن عبدالله النفری (متوفی ۳۶۶ ق/ ۹۷۷ م) روایت کرده در صورتی که شواهد دیگر نشان می‌دهد که او ساکن مکه بوده (ص ۱۸۹ الف) و یا در مسجد النبی در مدینه بوده (ص ۲۰۷ الف) و یا در جلسات و مجالس صوفیان در مصر (قاهره) حضور داشته (ص ۲۰۸ ب) و به نظر نمی‌رسد که صقلی از زمان سلسله راویان که در المعارضه ذکر شده (ص ۲۰۶ ب و ص ۲۰۸ الف)، احمد بن سالم را دیده باشد اما همواره رابطه‌ای میان این دو نفر بود.

شخصیت و هویت این «صقلی» در میان خاورشناسان مورد بحث و بررسی است. بروکلیمان^{۲۱} با استناد به کتاب الانساب سمعانی تاریخ مرگ ابوالقاسم صقلی را سال ۴۲۳ ق/ ۱۰۳۲ م می‌داند.

ماسینیون^{۲۲} می‌گوید، ابوالقاسم صقلی در سال ۳۹۰ ق/ ۹۹۹ م در قید حیات بوده و مطالبی را در قیروان نوشته است. سزگین^{۲۳}، تاریخ فوت ابوالقاسم عبدالرحمن بن محمد صقلی را با استناد به قول کحاله، در معجم المؤلفین، سال ۳۸۰ ق/ ۹۹۰ م بیان می‌کند. همچنین تاریخ ۳۸۰/ ۹۹۰ را با استناد به هدیه العارفین بغدادی، به عنوان تاریخ وفات عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله البکری الصقلی المالکی عمادالدین می‌شمارد. رینر^{۲۴} می‌گوید که صقلی‌ای که در نسخه خطی کوپریلی (۷۲۷) ذکر شده با صقلی‌ای که بروکلیمان ذکر کرده یکسان است.^{۲۵} و تاریخ فوتش ۴۲۳ ق/ ۱۰۳۲ م است. اما این صقلی با صقلی‌ای که سزگین^{۲۶} می‌گوید متفاوت است و

در سال ۳۸۰ ق/ ۹۹۰ م فوت کرده است. برای تشخیص این دو، منابع کتابشناسی مرتبط به ما کمک می‌کنند. ارجاعات کتابشناسی موجود در الانساب سمعانی، ابوالقاسم انیق بن محمد بن الحکیم التمیمی الصقلی را به عنوان شیخ زاهدی با تقوا و مردی عادل و روایتگری موثق ذکر می‌کند. این مرد در ماه شوال سال ۴۲۳ ق/ ۱۰۳۲ م فوت کرده است.^{۲۷}

منابع کتابشناسی موجود در هدیه العارفین^{۲۸} بغدادی به یک صوفی مالکی مذهب به نام، عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله البکری الصقلی اشاره می‌کند، فردی که در حدود سال ۳۸۰ ق/ ۹۹۰ م فوت کرده و صاحب سه اثر است که در موضوعات صوفیانه نوشته شده‌اند: ۱- الانوار فی علم الاسرار و مقامات الابرار، ۲- صفات الاولیاء و مراتب احوال الاصفیاء، ۳- کرامت الاولیاء و المطیعین من الصحابه و التابعین

بخش‌های کتابشناختی کتاب معالم ابن ناجی (متوفی ۸۳۷ ق/ ۱۴۳۳ م) که ویرایش و بازنویسی کتاب معالم ابو زید الدباغ (متوفی ۶۹۶ ق/ ۱۲۶۷ م) است، در بردارنده روایت‌هایی در شرح احوال شماری از شخصیت‌های مذهبی قیروان است که بخشی را نیز به ابوالقاسم عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله البکری الصقلی اختصاص داده است و وی را به نام استاد تصوف و الشیخ العارف معرفی کرده است و به او لقب «امام الحقیقه» و شیخ اهل الطریقه» داده است.^{۲۹} در قیروان، او در محضر اشخاص ذیل به فراگیری علوم پرداخته:

ابو اسحاق بن ابراهیم بن احمد الصابئی (متوفی رجب ۳۵۶ ق/ ۹۶۷ م)^{۳۰}، ابوالحسن علی بن محمد بن مسرور الدباغ (متوفی رمضان ۳۵۹ ق/ ۹۷۰ م)^{۳۱}، ابوالقاسم زیاد ابن یونس الیعسوبی (متوفی شعبان ۳۶۱ ق/ ۹۷۲ م)^{۳۲} و ابومالک سعد بن مالک بن عبادة الدباغ (متوفی ۳۶۱ ق/ ۹۷۲ م)، کسی که مرید و شاگرد ابوسعید خراز^{۳۳} و ابوالعباس تمیم بن ابی العرب بن محمد بن احمد بن تمیم (متوفی ۳۷۱ ق/ ۹۸۲ م)^{۳۴} بوده است.

وی در سفری به مشرق زمین با ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابراهیم البلخی، ابوالحسن علی بن احمد بن زکریا الحسین، و علی بن الحسین الفندر القاضی و ابوبکر بن عتیق بن موسی هارون الهریمی ملاقات کرد. در سال ۳۵۰ ق/ ۹۶۰ م، در مکه زیر نظر ابوبکر محمد بن الحسین الاخوی به مطالعه پرداخت و در حین ترک مکه و عزیمت به قیروان، ابوحوقل دعای خیر خود را بدرقه راهش کرد.^{۳۵}

این صقلی به عنوان محدث، فقیه و صوفی، کسی که رساله صوفیانه تحت عنوان انوار الصقلی نوشت که به نظر ابن ناجی، اثر یک صوفی اصیل و واقعی راجع به دیدگاه مطلقاً سنیانه از تصوف است. او همچنین خالق دو رساله دیگر در زمینه تصوف با عناوین: صفات الاولیاء و مراتب احوال الاصفیاء و کرامات الاولیاء و المطیعین من الصحابه التابعین می‌باشد که ابن ناجی چند مطلب برگزیده از آن را نیز ذکر نموده است. همچنین صقلی، فقها را به جهت نپذیرفتن کرامات و الطاف و مواهب خداوندی سرزنش می‌کند.^{۳۶}

اگرچه ابن ناجی تاریخ فوت صقلی را نمی‌داند اما می‌گوید که صقلی پیش از ابومحمد بن ابی زید فوت کرده است؛ کسی که می‌توان او را همان فقیه مالکی ابو محمد عبدالله بن ابی زید عبدالرحمن القیروانی دانست که در تاریخ ۳۸۶ ق/ ۹۶۶ م در قیروان درگذشته است.^{۳۷}

در کتاب معالم، که به ترتیب تاریخ، زمان فوت اشخاص را ذکر کرده است، زمان فوت صقلی را در اوایل قرن ۵ ق/ ۱۱ م می‌داند به طوری که آخرین مدخل قبل از صقلی تاریخ مرگش، جمادی الآخر ۴۰۴ ق/ ۱۰۱۳ م است.^{۳۸} و تاریخ مرگ شخصی که مدخلش بلافاصله بعد از صقلی آمده، رجب ۴۰۷ ق/ ۱۰۱۷ م است.

اگر مطالب الانساب سمعانی تنها به خاطر مغایرت در نام افراد مورد توجه قرار نگیرد، شکی نیست که در شناسایی صقلی بیش از این دچار مشکل خواهیم شد؛ بنابراین، صقلی ذکر شده در نسخه خطی کوپریلی با صقلی ذکر شده توسط ابن ناجی یکی است. و صقلی

ذکر شده توسط بغدادی با صقلی ذکر شده در صفحه ۶۶۶ و صفحه ۶۴۷ GASI برابر است. این صقلی کمی قبل از ۳۸۶ ق/ ۹۹۶ م و به طور حتم پیش از ۳۸۰ ق/ ۹۹۰ م فوت کرده است.

بنابر مدارک کتابشناسی موجود، با اطمینان می‌توانیم بیان کنیم که صقلی‌ای که شرح‌های خود را برگفته‌های تستری افزوده، در فاصله زمانی بین ۳۵۰ ق/ ۹۶۰ م تا ۳۸۶ ق/ ۹۶۶ م بیان کرده است، و احتمالاً پس از اقامت موقتی خود در مکه مجموعه‌ای از گفتارهای تستری را با افزودن شرح و تفسیری از خود قبل از تاریخ ۳۵۰ ق/ ۹۶۰ م گردآوری کرده است. از آنجا که محتویات نسخه کورپیلی (۷۲۷) حکایت از آن دارد که پیروان نزدیک تستری، با دیدگاه‌های سنی، گردآورندگان اصلی آثار تستری هستند، می‌بایست صقلی و چندتن از شاگردان احمد بن سالم (احتمالاً نهاوندی) را به عنوان گردآورندگان نهایی که مسئولیت مجموعه اظهارات و گفتارهای تستری را به عهده گرفته‌اند، پذیرفت.

کتاب لطائف القصص

سزگین می‌گوید نسخه خطی *لطائف القصص فی قصص الانبیاء* از آثار تستری است. که عنوان واقعی آن کتاب «*لطائف القصص*» و شامل ۵۶ برگ شماره‌گذاری نشده می‌باشد که بخش‌هایی از نسخه خطی جامع را به خود اختصاص داده است.

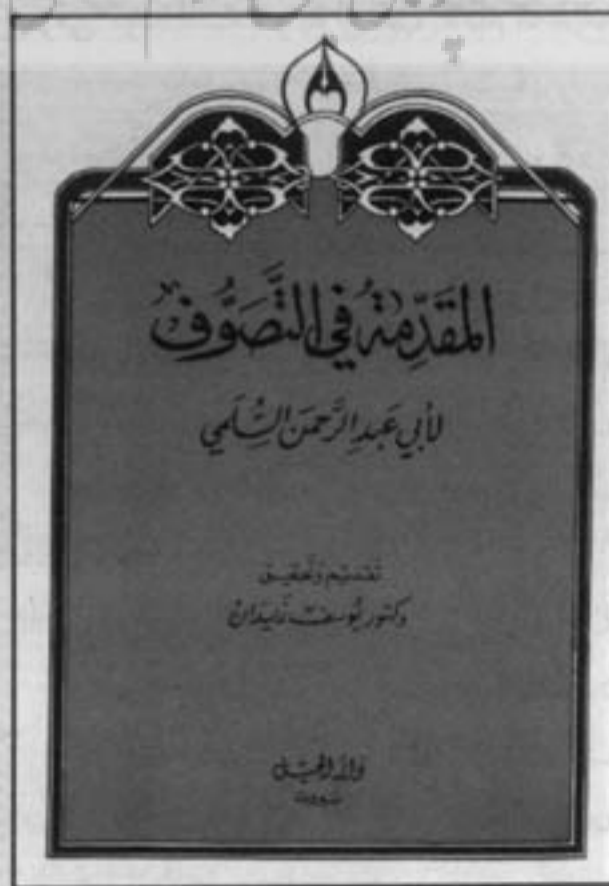
این کتاب توسط محمد بن ابی‌بکر، ملقب به ابن‌العطاء الجوری کتابت شده که به تاریخ ۱۷ رمضان سال ۸۳۸ قمری (مصادف با ۱۶ آپریل ۱۴۳۵) از کتابت آن فراغت یافت. این نسخه خطی به وضوح و روشنی اسم نویسنده را معرفی نمی‌کند و به طور نامشخصی بیان می‌کند که: «شما از من خواستید تا برای شما کتابی دقیق معتبر درباره قصص پیامبران بنویسم، من نیز خواسته شما را اجابت کردم (برگ ۱ ب).»

در هفده فصل این کتاب با اذقت نظر فراوان به داستان زندگی پیامبران پرداخته و از فصل یک تا یازده، زندگی آدم، نوح، ابراهیم،

اسماعیل، یعقوب، ایوب، یونس، سلیمان، موسی، عیسی، محمد و از فصل دوازده تا هفده، مطالبی راجع به الطاف خداوندی، برخی حکایات صوفیانه، عبادت و نماز و بسم‌الله نوشته‌است. یک بررسی دقیق از میکروفیلم این نسخه خطی، به دلیل نبود قرینه‌های روشن درون متنی، تردیدهای جدی درباره این که تستری خودش مؤلف این اثر باشد ایجاد می‌کند، گرچه بعضی قراین دال بر این است که تستری نویسنده کتاب است.

حاجی خلیفه، یکی از آثار تستری، به نام *قصص الانبیاء* را نام می‌برد که با جمله «الحمد لله الاول فلا شی قبله» آغاز می‌شود که دقیقاً نسخه خطی موجود هم با همین کلمات آغاز می‌شود. علاوه بر این، بررسی آثار صوفیانی که پیش از تستری می‌زیسته‌اند، نشان می‌دهد که حکایت نبوی درباره تحلیل و تفسیر نام خدا (الله) که صوفیان پیش از تستری ذکر کرده‌اند، شبیه به متون ذکر شده در تفسیر تستری است اما علیرغم این نزدیکی و تشابه موضوعی، هیچ قول و متنی را در متون موجود، یا در همان موضوع در دیگر آثار منسوب به تستری و یا منابع مقدماتی کلاسیک تصوف نمی‌توان در این نسخه خطی یافت که بتواند نکات شخصیتی تستری را بنمایاند.

بنابراین، معیار قطعی و مسلمی را جهت



نسبت دادن کتاب *لطائف القصص* به سهل تستری به عنوان مؤلف در دست نداریم. از طرفی به قول براون، نسخه خطی حاضر با قصص الانبیاء، اثر مسلم محمد بن اسعد بن عبدالله الحنفی التستری که نسخه خطی آن هم موجود است، یکسان و شبیه نیست.

رسالة المنهيات

رسالة المنهيات بخشی از مجموعه خطی موجود در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به شماره ۲۵۱ (برگ ۱۹ الف - ۱۲ ب) را به خود اختصاص داده است. این اثر در پنجم صفر ۱۲۷۹ قمری/جولای ۱۸۶۲ در بخارا توسط عبدالله عبدالمنذّب کتابت شد (نگاه کنید به ص ۱۹ الف). کتاب *رسالة المنهيات* که گزیده و گلچینی است از کتاب *ضیاء القلوب* ابومحمد سهل بن عبدالله تستری، (نگاه کنید به صفحه ۱۳ الف - ۱۲ ب)، فهرستی نیز از گناهان و بدی‌های انسان‌ها، که از جانب خدا و پیغمبر نهی شده، می‌آورد و با احادیث به شرح و توضیح آنها می‌پردازد.

این اثر، هیچ مطلب خاصی به عنوان ویژگی و مشخصه تستری ارائه نداده است، لذا اعتبار آن همچنان شک برانگیز است.

رسالة في الحروف

این رساله^۳ در سال ۶۸۶ ق/ ۱۲۸۷ م استنساخ شده است. احتمالاً نویسنده این رساله، که بر مبنای حروف الفبا و حروف مقطعه قرآن نوشته شده، تستری می‌باشد، ولی ملاک‌ها و قراین درونی این اثر نمی‌تواند چیز خاصی غیر از همانندی و مشابهت ایده‌ها و اندیشه‌ها را نشان دهد. در منابع مرتبط دیگر نیز قادر به شناسایی و اعتبار این رساله نیستیم.

خلاصه اینکه از یک طرف، مدارک کتابشناختی، منابع مرجع عربی کلاسیک، تستری را به عنوان نویسنده رسالات تصوف معرفی می‌کنند - که البته امروزه این آثار موجود نیستند - از طرف دیگر تنها دو اثر موجودی که به تستری نسبت داده شده، عبارتند از تفسیر القرآن و نسخه خطی کورپیلی (شماره ۷۲۷) که این دو اثر به روشنی منعکس کننده تعالیم تستری است.

سایر آثار فرعی و درجه دومی که منتسب به تستری اند، فاقد معیارهای قاطعی هستند که بتوان آنها را به عنوان رسالات معتبری راجع به تستری و عقایدش قلمداد کرد. عقاید صحیح و دقیق تستری، توسط شخص تستری شکل گرفته و توسط مریدان و پیروانش منتقل گردیده و گسترش داده شده، که البته همه این عقاید به شکل کامل، در آثار موجود و منسوب به تستری ذکر نشده‌اند. اما آثار موجود یعنی تفسیر قرآن و نسخه خطی کوپریلی، منحصرأ بر عقاید تستری متمرکز هستند تا جایی که تنها به بیان تعلیمات تستری می‌پردازند و نه صوفی دیگری. البته وضعیت این منابع بعد از میانه قرن ۴ هجری/۱۰ میلادی تغییر پیدا کرد.

۲) عقاید و آرای تستری در منابع تصوف تا سال ۶۶۵ ق/۱۰۷۴ م

منابع مقدماتی تصوف که حدوداً در یک فاصله صد ساله بین ۲۵۶ ق/۹۶۷ م تا ۴۶۵ ق/۱۰۷۴ م نوشته شده، به طور کلی بر جنبش تصوف متمرکز بود و به عقاید تستری تا جایی که مربوط به بخش اصلی علم تصوف بود، اشاره می‌کرد. عقاید تستری که توسط پیروان وی منتقل و گسترش داده شده است - اعم از آثار گفتاری و نوشتاری - در منابع این دوره، به صورت مجموعه وارد شده است.

بنابراین منابع این دوره، که منابع اولیه تصوف به شمار می‌آیند، بخش عظیمی از عقاید تستری را در خود دارند، بطوری که در آثار موجود و منسوب به تستری، امروزه یافت نمی‌شود.

از زمانی که منابع تصوف این دوره به عقاید تستری به عنوان پدیده‌ای ویژه در ایجاد جنبش‌های تصوف، در غالب ارجاعات علم‌التصوف، علاقمند شده‌اند، آنچه مسلم است این است که دیدگاهشان نسبت به عقاید تستری، تنها با انتخاب مطالبی که مطابق با اهداف مؤلفی خاص است، تعیین می‌شود. بنابراین، هر نویسنده‌ای الگو و نمونه خودش از تستری را با گزینش و انتخابی که از مطالب موجود در منابع مربوط به تستری براساس

نگرش‌های سبک‌شناسی خود و نگرش‌های مذهبی، منطقه‌ای و دورنماهای فکری خود و همچنین دیدگاه فرد نسبت به مطالب تستری در جهت پذیرش یا رد مطالب وی می‌سازد، تعیین می‌کند. آثار پرشمار ارزشمند و موجود در این دوره، از *لمع السراج تا کشف المحجوب* جلابی و نیز تنوع و تفاوت‌های موجود در انتخاب بخش‌هایی از آثار، روش‌ها، دورنماها و الگوهای متنوعی از تستری را به وجود آورده که به برخی ویژگی‌های ذاتی عقاید تستری می‌پردازد و برخی نکات را اضافه می‌کند و مجموعه‌ای از عقاید تستری ایجاد می‌شود، که در میان آنها، آثار منسوب به تستری خصوصاً تفسیر قرار می‌گیرد.

آنچه مستند و ثابت شده است، این است که مسلماً آثار این دوره از ارزش یکسانی برخوردار نیستند؛ *اللمع السراج*، *قوت القلوب* و *علم القلوب مکی*، بخش‌های مهم اعتقادات تستری را ذکر کرده‌اند و عمدتاً متکی بر ارتباط مستقیم بین نویسنده و نسل دوم از شاگردان تستری می‌باشند. کلاباذی در *التعرف* در بخش کوچکی به عقاید تستری می‌پردازد و الگویی از تستری را ارائه می‌دهد که با نگرش او که با حلاج متمایل است، همخوانی دارد.

طبقات الصوفیه سلمی و حلیه الاولیاء ابونعیم، نمونه‌ها و الگوهای متنوعی از تستری را ثبت کرده‌اند. نمونه‌هایی که مرهون نگرش روایت‌گرایانه و تمایل آنها به جمع‌آوری هر آنچه که در مطالب گفتاری و نوشتاری‌ای که در اختیار آنهاست، می‌باشد. برداشت و الگوی دیلمی از تستری در کتابش «*عطف‌الائف المألوف علی اللام المعطوف*» تبیین می‌شود. جلابی و قشیری هم از منابع این دوره و هم از منابع فراوان دوره بعد استفاده کردند. به هر حال هنوز ویژگی مهمی در الگوها و نمونه‌های آنان از تستری وجود دارد که نمی‌توان از جاهای دیگر به دست آورد.

منابع مقدماتی تصوف در این دوره، بر روی زندگی و افکار صوفیان برجسته قرن ۲ ق/۸ م تا نیمه اول قرن ۴ ق/۱۰ م و زندگی و افکار مریدانشان متمرکز است؛ مریدانی که عقاید

اساتید تصوف را در دنیای اسلام باب کردند و گسترش دادند. اساساً این منابع به سه سبک و شیوه تدوین شده‌اند: ۱- رسالات در تصوف ۲- طبقات الصوفیه و شرح حال صوفیان ۳- متون درسی و آموزشی تصوف.

رسالات تصوف، تلاشی است در جهت تثبیت و ترویج تفکرات و اندیشه‌های عرفانی و صوفی‌گرایانه و ایجاد تطابق و تناسب در مراحل اساسی سلوک معنوی صوفیانه و شرح دستورات و ارشادات زاهدانه و عملی اساتید تصوف.

رسالات موجود در زمینه تصوف، مثل *اللمع السراج*، *التعرف کلاباذی* و *قوت القلوب مکی*، به نیمه دوم قرن ۴ هجری/۱۰ میلادی تعلق دارد و بدون ذکر سلسله راویان، مطالب و محتویات آنها به شکل موضوعی دسته‌بندی شده‌اند.

هدف مجموعه‌های تذکره‌نامه‌ای درباره صوفیان، مثل *طبقات الصوفیه سلمی و حلیه الاولیاء ابونعیم*، فراهم آوردن اطلاعات جامع راجع به افکار و عقاید هر صوفی با جمع‌آوری احادیث و گفتارهای نغز و قصار وی از منابع گوناگون می‌باشد؛ ابتدا مختصری از سرگذشتنامه هریک از صوفیان آورده می‌شود و اطلاعاتی درباره زندگی آنان ارائه می‌گردد. آنگاه هریک از آنان براساس تقویم تاریخی و طبق طبقه و درجه تصوف طبقه‌بندی می‌شوند.

متون درسی و آموزشی صوفیانه، که ترکیبی از هر دو روش قبل می‌باشد، نشان دهنده یک برآیند ترکیبی از تلاش صوفیان در جهت شکل دادن علم‌التصوف است. بهترین نمونه این مورد، رساله قشیریه است که دارای مقدار قابل توجهی روایت راجع به شرح حال زندگینامه صوفیان همراه با اطلاعات گسترده‌ای درباره ایده‌های محوری نسبت به تجربیات عرفانی صوفیانه می‌باشد. کشف المحجوب جلابی، در یک بخش، گزیده‌ای از تعالیم فرق تصوف را به همراه اخبار و گزارش‌های مهم درباره فرقه‌های معروف تصوف و مدارس معروفشان ارائه می‌دهد. شرق‌شناسان بر این باورند

که بیشتر منابع تصوف این دوره، آشکارا در ماهیت و هدف، احتجاجی و دفاعی هستند تا ثابت کنند که تصوف مطابق با الهیات و کلام اهل سنت است [و به عبارتی دیگر، تصوف نوعی برداشت از مذهب است که منافاتی با شریعت ندارد].

نتیجه این که، آنها علی‌رغم متدها، سبک‌ها و انتخاب‌های گوناگون و متنوع، نمونه‌ای ثابت و استاندارد و الگویی مناسب از عقاید تستری را به دست آوردند. که همین نمونه ثابت و استاندارد به عنوان اصولی راهنما برای منابع بعدی به حساب می‌آیند که بعدها دچار گوناگونی و تحریف می‌شوند. درباره وضعیت منابع تصوف قبل از دوره اللمع السراج که عقاید تستری را هم مورد توجه قرار داده باشد، اطلاعات زیادی نداریم. همچنین در آثار موجود از حارث بن اسد محاسبی (۲۸۶ ق/ ۸۹۹ م) و در آثار معاصران برجسته او مانند خرازی (۲۸۶ ق/ ۹۹۸ م)، جنید (۲۹۸ ق/ ۹۱۰ م)، حکیم ترمذی (متوفی اواخر قرن ۳ ق/ ۹ م) و حلاج (۳۰۹ ق/ ۹۲۲ م)، ذکری از تستری نیامده است.

از پیش از قرن ۴ ق/ ۱۰ م به بعد، گفتارها و کلمات قصار تستری به گونه‌ای گسترده در آثار مربوط به علم‌التصوف ذکر می‌شد. اگرچه تعداد زیادی از منابع اولیه، امروزه موجود نمی‌باشند، اما در قدیم به عنوان منابع اطلاعاتی برای آثار بعدی و منابع موجود در این دوره استفاده می‌شد. طبقات النساخ، اثر ابوسعید العربی (۳۴۱ ق/ ۹۵۲ م) و حکایات المشایخ اثر ابومحمد جعفر الخلدی (متوفی ۳۴۸ ق/ ۹۵۹ م)، امروزه وجود ندارند. اما به عنوان منابع در تألیف قوت‌القلوب توسط مکی و اللمع السراج به کار گرفته شدند.

احتمال قوی این که هر دوی این منابع از دست رفته، شامل ارجاعاتی به تستری نیز بوده‌اند. این که به چه میزان، آثار مفقود نصرآبادی (متوفی ۳۶۷ ق/ ۹۷۷ م) و خشاب (متوفی ۳۶۱ ق/ ۹۷۱ م) دارای مطالبی راجع به تستری بوده‌اند، قابل تشخیص نیست؛ هرچند موافق و مخاطبات ابوعبدالله النفری (متوفی

۳۶۶ ق/ ۹۷۷ م) هیچ ارجاعی به تستری ندارند. دو منبعی که برای مدت زیادی باقی نماندند، به نام‌های طبقات الصوفیه ابوالفرج الوارثی (۲۷۳ ق/ ۹۸۲ م) و حکایات الصوفیه ابوبکر شاذان الراضی (متوفی ۳۷۶ ق/ ۹۸۶ م) منابع مهمی برای سلمی در تألیف طبقات الصوفیه و برای ابو نعیم در تألیف حلیة الاولیاء بودند که هر دو این اثر ارجاعاتی به سهل تستری داشتند.

الف - رسالات

ابونصر عبدالله بن علی بن محمد بن یحیی السراج (متوفی ۳۷۸ ق/ ۹۸۸ م) عارف سنی طوس (خراسان)، که سفرهای زیادی به ممالک مسلمان کرده است، در رساله صوفیانه خود به نام کتاب اللمع، در چندین مورد از تستری سخن به میان آورده است.

با این که سراج هرگز تستری را ندیده بود اما راجع به زندگی و افکار تستری آگاهی خوبی داشت و این بدان جهت بود که وی با پیروان تستری و بیشتر، صوفیان بصره که رئیس آنها ابوعبدالله محمد بن سالم (متوفی ۲۹۷ ق/ ۹۰۹ م) بود و با پسر کوچک او ابوالحسن احمد بن سالم (متوفی ۳۵۶ ق/ ۹۶۷ م) ارتباط داشت. اطلاعات متنوعی که سراج راجع به تستری گردآوری کرده است، نشان از ارتباط مستقیم سراج با مریدان تستری در بصره و بغداد و شناخت مستقیم وی از افکار تستری دارد. بعد از جنید و شبلی (متوفی ۳۳۴ ق/ ۹۴۶ م) سهل تستری بیشترین میزان تکرار در نقل قول اساتید تصوف در اللمع را از آن خود کرده است. به طوری که حدود صد مورد از شرح زندگی و افکار تستری و یارانش را نیز شامل شده است.

این اطلاعات بر پایه مطالب و منابع نوشتاری و گفتاری بیان شده که دارای ارزش یکسان است و تکرار مطالب در آن دیده نمی‌شود. تعداد کمی از این اطلاعات، مربوط به تستری که در اللمع آمده است، از داده‌های سرگذشتنامه‌ای واقعی درباره زندگی تستری گرفته شده‌اند. این منابع راجع به سفر تستری به مکه، احترام و اعتباری که برای ذوالنون

داشت (۲۴۵ ق/ ۸۶۰ م) و همچنین تبعید او از تستر، اطلاعات با ارزشی را در اختیار ما می‌گذارند. همچنین گزارش‌های متعدد و دست اولی راجع به مریدان تستری و شیوه هدایت آنها موجود می‌باشد.

مجموعه‌ای از گفتارهای تستری، که در اللمع ذکر شده است، راجع به مفاهیم و ایده‌هایی می‌باشد که بر روی تجربیات عرفانی و طریقت زندگی صوفیانه تستری متمرکز است، که البته توسط مریدان مسلم وی منتقل و گسترش داده شده است.

گزینش سراج از مطالب و بیانات تستری، با توجه به اهداف و ساختار اللمع انتخاب شده است به طوری که توسط آرنیکلسون این طور توصیف می‌شود: هدف وی (سراج) در نوشتن، تنظیم اصول چهارگانه تصوف، اثبات بحث‌انگیز این مطلب بود که اینها با عقاید قرآنی و اصول صحابه رسول‌الله (ص) موافق هستند زیرا آنها پیروی از خدا و پیامبر را در دستور کار خود دارند، به طوری که با عملیات مذهبی مسلمانان زاهد هم‌نوایی و انطباق دارد.

سراج، تستری را به عنوان فردی معتبر در حوزه تصوف می‌ستاید اما ایستادگی سراج در برابر ابن سالم بحث برانگیز است. از یک طرف، سراج، احتمالاً نوعی نگرش انتقادانه در برابر ابن سالم را از استاد خود یعنی ابن خفیف (۳۷۱ ق/ ۹۸۱ م) به ارث برده است؛ کسی که بخاطر معاشرت وی با حلاج و اشعری (۳۲۴ ق/ ۹۳۵ م) موضعی شدید علیه سالمیه دارد. بحث و مجادله‌ای که در بصره بین سراج و احمد بن سالم بود، به دلیل اظهارات ضد و نقیض از بایزید بسطامی (۲۶۱ ق/ ۸۷۵ م) بود، نوعی مقاومت سراج نسبت به ابن سالم را نشان می‌دهد. به همین دلیل است که ماسینیون سراج را مخالف و حریف ابن سالم می‌داند. از طرف دیگر، اللمع، از تستری و محمد بن سالم با احترام یاد می‌کند، کسانی که پسر سراج با آنها رابطه‌ای دوستانه داشت و منعکس کننده نگرش عاطفی و خوب سالمیه نسبت به حلاج است.

از این رو تا زمانی که ما الگو و برداشت اللمع از تستری را در دست داریم، بهتر است به جای توجه به مسائل غامض و گیج کننده سالیمه، ترجیحاً به نقل قول های شفاهی و مکتوب عقاید و آرای سهل تستری توجه کنیم.

اللمع شامل گفتارهایی نظری راجع به تستری درباره درجات تصوف (مقامات) و احوالات آنها می باشد. همین طور شامل مطالبی درباره تفاسیر و تعبیر قرآن و سنت نیز می شود. همچنین سه جزء از موضوعات اصلی عقاید صوفیانه تستری را در «راز روح یا اسرار روح» *The Secret of the saul* ذکر می کند.

تأکید سراج در الگویی که از تستری ساخته، تکیه بر ارتباط تستری با مریدان و نگرش وی راجع به ریاضت های صوفیانه می باشد.

تهذیب الاسرار خرگوشی (۴۰۶ ق/ ۱۰۱۵ م) که در نسخه خطی نیز موجود می باشد، رساله ای صوفیانه است که از اللمع سراج الگو گرفته است. بنا به توصیف آربری از نسخه خطی به شماره ۲۸۱۹ کتابخانه سلطنتی برلین، تهذیب الاسرار به نوعی شامل نکات و اطلاعات جالبی راجع به تستری می باشد بهجت الاسرار ابن جهضم (۴۱۴ ق/ ۱۰۲۳ م) که بخشی از آن در نسخه خطی وجود دارد، اشارات مهمی به تستری و یارانش دارد. بخشی از این ارجاعات، قابل دسترسی در نسخ خطی نیستند، اما در بخش هایی از حلیة الاولیاء ابو نعیم (۴۳۰ ق/ ۱۰۳۸ م)، رساله قشیریه، مصارع العشاق ابوبکر محمد بن جعفر السراج، مناقب الابرار ابن خمیس الموصلی (۵۵۲ ق/ ۱۱۵۷ م) و در تلبیس ابن الجوزی (متوفی ۵۹۷ ق/ ۱۲۰۰ م) موجود می باشد.

ابوبکر محمد بن اسحاق بن ابراهیم کلابادی (۳۸۰ ق/ ۹۹۰ م یا ۳۸۵ ق/ ۹۹۵ م)، صوفی اهل بخارا، رساله ای راجع به تجربیات روحانی صوفیانه می نویسد و عنوان آن را کتاب *التعرف* لمذهب اهل التصوف می گذارد.

هدف او از این رساله، بنا نهادن پلی بر شکاف میان علم کلام یا الهیات و تصوف و طریقت بود؛ شکافی که بآبه دار آویخته شدن

حلاج به شدت بحرانی شده بود.

التعرف به عنوان منبعی که بخواهد اطلاعات تاریخی راجع به تستری و شاگردانش در اختیار ما بگذارد، ارزش کمی دارد. تستری که در التعرف به عنوان یکی از صوفیان بزرگ ذکر شده، نامش در لیست مؤلفان تصوف که کلابادی در التعرف آورده، نیامده است و تنها به عنوان کسی که پاسخهایی به پرسشهای برخی افراد ناشناس داده، مطرح شده است. نام برخی مریدان وی از جمله ابن سالم، مزین و جریری و نیز شیخ طریقت او، به نام ذوالنون مصری در التعرف آمده است. ذکر این نکته در این کتاب که حلاج، برای زمانی شاگرد تستری بود از ویژگی های بارز و برجسته این رساله است.

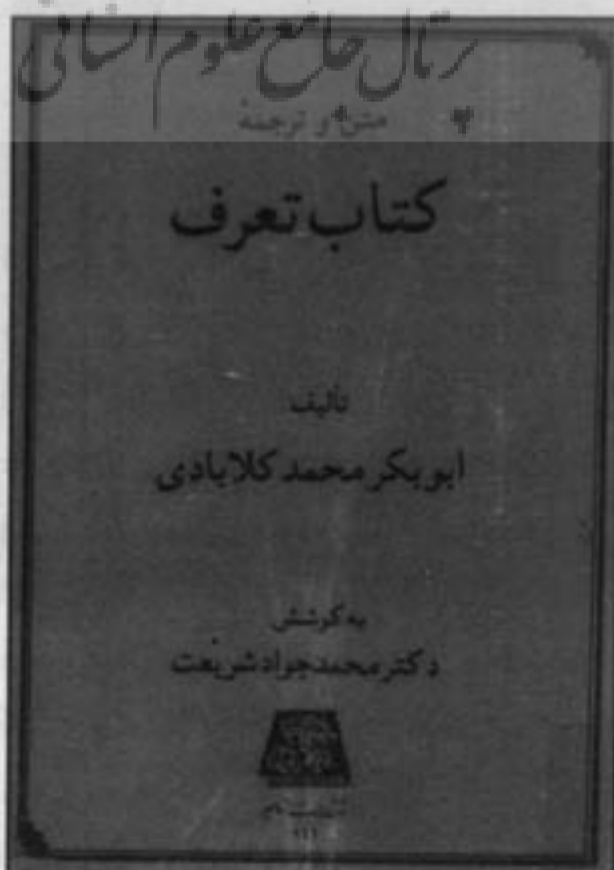
کلابادی، در التعرف خود حدود سی گفتار اساسی و مهم از تستری را که حاوی اطلاعات معتبر و ارزشمند درباره افکار عرفانی تستری است، در اختیار ما می گذارد. این گفتارهای تستری در فصول و رثوس مطالب متنوع التعرف پراکنده است و در آن جا از او با عنوان فردی صاحب نفوذ و برجسته در تاریخ تصوف یاد می کند. (البته بعد از حلاج، جنید و نوری و قبل از ابن عطا، خراز، ذوالنون، رویم و واسطی). اکثر گفتارها و مواعظ وی را اگر بخواهیم از متن موجود در التعرف جدا کنیم، بر دو موضوع

اصلی از تجربیات صوفیان متمرکز است: ۱- شرایط صوفی براساس مراحل سلوک صوفیانه ۲- ایده شناخت صوفیانه

التعرف دارای دو شرح است: یکی به نام *حسن التعرف* از علاءالدین علی بن اسماعیل قونوی (متوفی ۷۲۹ ق/ ۱۳۲۹ م) و دیگری *نور المریدین و فضیحة المدعین* از اسماعیل بن محمد بن عبدالله مستملی (متوفی ۴۳۴ ق/ ۱۰۴۲ م)، که این دومی، قدیمی ترین متن صوفیانه موجود به زبان فارسی است. ارزش این منبع برای مطالعه عقاید تستری، به علت تفسیرهای فراوان آن بر روی هر مطلبی است که از تستری در التعرف نقل شده و جمع آوری این مطالب به انگیزه آموزش مریدان تصوف بوده است و بدین ترتیب افکار تستری را که حدود ۱۲۰ تا ۱۵۰ سال پس از مرگ تستری در میان صوفیان ایرانی رایج بود، منعکس می کند. این اثر شایسته توجه بیشتری است، زیرا دارای مطالبی راجع به عقاید تستری نیز می باشد و هم اینکه نویسنده آن یک صوفی بخارایی است که در منطقه ابوبکر بلدی صوفی زندگی می کرده، که دومین و آخرین انتقال دهنده تفسیر تستری است، کسی که در سال ۵۰۴ ق/ ۱۱۱۰ م تقریباً حدود دو نسل بعد از مستملی فوت می کند.

قوت القلوب

ابوطالب محمد بن علی بن عطیه هراتی مکی (متوفی ۳۸۶ ق/ ۹۹۶ م)، معروفترین رساله خود را در زمینه تصوف با عنوان *قوت القلوب فی معاملات المحبوب* نامگذاری و در آخرین سال های عمرش آن را تکمیل کرد. هیچ گونه ویرایش انتقادی و یا تجزیه و تحلیلی روی این منبع مهم تصوف صورت نگرفته؛ اثری که غزالی منحصراً از آن کپی برداری کرد و در *احیاء علوم الدین* خود به کار برد؛ به طوری که عبدالقادر جیلانی می گوید: *احیاء علوم الدین* به نوعی توسعه یافته *قوت القلوب* است. اما ارزیابی عبدالقادر از قوت القلوب مکی، آنچنان ارزشیابی منتقدانه ای به عنوان ارزیابی فضای صوفیانه قرن ۴ قمری/ ۱۰ میلادی نیست.



ابوطالب مکی، صوفی ایرانی مقیم جبال، اما پرورش یافته در مکه بود. در مکه در حلقه شاگردان صوفی مکی ابوسعید العربی وارد شد. (متوفی ۳۴۱ ق/ ۹۵۲ م)، کسی که در بصره متولد شد (در سال ۲۴۶ ق/ ۸۶۰ م)، حدیث و تاریخ خواند، به تصوف علاقمند شد و به گروه مریدان جنید پیوست.

در تاریخی نامشخص، ابوطالب مکه را ترک کرد و مطابق با گفته سزگین، به بصره رفت و سپس به بغداد عزیمت کرد. طبق گفته عبدالقادر، ابوطالب مکه را جهت عزیمت به بغداد ترک کرد، جایی که زیر نظر ابونصر السراج به مطالعه و تحصیل پرداخت. سپس به بغداد عزیمت کرد اما زمانی که برای ملاقات ابوالحسن بن سالم بصری به بصره رفت او دیگر زنده نبود اما توانست در آنجا تعالیم او را از طریق آثار و شاگردانش بیاموزد. اگر عبدالقادر درست گفته باشد (هرچند او در رابطه با اظهارات خودش منبع یا مرجعی ارائه نکرده است) پس ابوطالب نمی‌توانسته شاگرد ابن سالم باشد، ابن سالمی که جوان‌تر از آن است که ماسینیون گفته؛ به هر حال، مطابق با نظر ماسینیون، ابوطالب به عنوان جانشین ابن سالم در رأس مذهب جزمی سالمیه در بصره قرار گرفت.

اگر بخواهیم براساس مستندات کتاب قوت القلوب قضاوت کنیم، ابوطالب می‌بایست شخصاً ابوالحسن بن سالم را ملاقات کرده باشد. از طرف دیگر، طبق اظهارات خطیب بغدادی (۴۶۳ ق/ ۱۰۷۲ م)، ابن القاضی (۵۹۷ ق/ ۱۲۰۰ م) و ابن خلکان (۶۸۱ ق، ۱۲۸۲ م)، ابوطالب بعد از مرگ ابوالحسن بن سالم به بصره رفته است. پس از آن که مواعظ وی از طرف مردم مورد قبول واقع نشد، به سمت بغداد عزیمت کرد. از منابع متقدم و متأخر تصوف، می‌توان دریافت که ابوطالب مکی در بغداد درگذشت و در گورستان مالکی و در کناره شرقی رود دجله به خاک سپرده شده است.

اظهارات تستری در قوت القلوب موجب شده تا یکی از بهترین و معتبرترین منابع

تصوف پدید آید. تقریباً دو‌سیست مرتبه از وی در این رساله - با نام و کینه‌اش و یا به طور گمنام - نقل قول شده است. متن چاپی قوت القلوب ویرایش قابل اعتمادی نیست و تشخیص این که تا چه حد اقوال شخص تستری و یا بعضی از مریدان وی در پشت سخنان بعضی از صوفیان (قال بعضهم) و یا بعضی صوفیان دانشمند گمنام (قال بعض العلماء) پنهان شده باشد، غیرممکن است. اگرچه ما پیشنهاد می‌کنیم که در همه موارد و زمان‌هایی که قوت القلوب بیانات تصوف را به عبارت «قال علمائنا» معرفی می‌کند، تستری به عنوان مؤلف عبارت بعدی معرفی شود. البته احتمالاً تستری خودش مؤلف بیشتر این عبارات است که با عنوان «قال بعض علمائنا» معرفی و شناسانده می‌شود.

تا زمانی که ما هیچ دسترسی به نسخه خطی قوت القلوب نداریم، باید به همین اطلاعات و حدس و گمان‌ها کفایت کرده و بپذیریم.

از مزایای این نسخه چاپی قوت القلوب این است که ما در می‌یابیم، نمونه و الگویی که از تستری در این رساله حجیم ارائه می‌شود، بسیار ناقص و مبثدی است. با وجود این مطالب مربوط به عقاید تستری که در قوت القلوب آمده، بسیار صحیح و معتبر است.

علم القلوب جامع علوم انسانی رساله تصوف مکی به نام علم القلوب، بعد از قوت القلوب نوشته شد، تا جایی که علم القلوب از قوت القلوب نقل قول کرده است. بخش عظیمی از علم القلوب دارای مطالب و مفاهیمی محرمانه (رازآلود) و مبهم (خفی)، نکاتی از شور و اشتیاق (وجد و سرور) صوفیان، هوشیاری (يقظه - توجه) و انضباط (مجاهده) صوفیان است که پیشتر در قوت القلوب توصیف شده است. علم القلوب تقریباً در دو بخش تنظیم شده است: ۱- بخش اول (ص ۴-۱۴۴) که شامل تفکر صوفیانه عارف درباره حکمت، علم و توحید می‌باشد و اغلب از آیات قرآن برای شروع بحث‌های عرفانی استفاده کرده است؛ ۲- بخش دوم (ص ۱۴۴-

۲۹۰)، به بحث درباره اخلاص، نیت، مؤمن و اعمال و آداب صوفی می‌پردازد و دارای نکات راهنمای بسیاری نیز در این رابطه می‌باشد. بیشتر مواعظ و گفتارهای تستری در علم القلوب در بخش اول نقل بیان شده است و حول دو محور می‌باشد:

الف - نظراتی درباره معارف تصوف و ویژگی‌های پیران طریقت (شیوخ صوفیه)
ب - مطالب و نظراتی درباره بعثت و کمالات پیامبر(ص)

نظارت خداوند بر اعمال و زندگی انسان از نظر تستری، با عبارت: **الله قائم علیک** وصف شده است. در بخش مربوط به معارف تصوف، همچنان که استادانه و محکم اقوال تستری راجع به همین موضوع را که در قوت القلوب آمده ارائه می‌دهد، مطالبی راجع به وقایع ازلی، مطالب مهم و قابل توجهی را به گفتارها و تعالیم مرتبط با تستری که در تفسیر ذکر شده را نیز می‌افزاید.

کتاب عطف الالف المالموف علی اللام المعطوف

ابوالحسن الدیلمی، صوفی احتمالاً معاصر مکی اما جواتر از او، رساله‌ای به زبان عربی در رابطه با عشق عرفانی، به عنوان «کتاب عطف الالف المالموف علی اللام المعطوف» می‌نویسد که در آن دیدگاه تستری راجع به وجود متعالی (کمالات) حضرت محمد(ص) نوشته شده است.

همچنین دیلمی، کتابی به فارسی تحت عنوان «سیرت ابن خفیف» در شرح احوال استادش ابوعبدالله محمد بن خفیف شیرازی (۳۷۱ ق/ ۹۸۱ م) نوشت. ابن خفیف نظریه پرداز اشعری و صوفی سنی شافعی و از مکتب ظاهری بود، کسی که سراج و ابونعیم را مریدان خود خواند و با احمد بن سالم مخالف بود و علیه او کتاب «لرد علی ابن سالم» را تألیف کرد. دیلمی در طرح دیدگاه و بررسی افکار تستری در اثر خود، ارتباط بین تستری و صوفیان فارس را نیز بیان می‌کند و تأکید می‌کند که عقیده تستری راجع به «نور

مقدس» واقعیت و حقیقت یکپارچه عشق عرفانی، پیامبر و خدا را بیان کرده و تذکر می‌دهد.

ب- شرح حال‌ها و سرگذشتنامه‌های اولیای الهی

ابوعبدالرحمن محمد بن الحسین بن محمد بن موسی سلمی (۴۱۲ ق/۱۰۲۱ م)، نویسنده صوفی معروف نیشابور (خراسان)، قدیمی‌ترین مجموعه شرح حال نویسی صوفیان را نوشت، که حاوی اطلاعات ارزشمندی از منابع نخستین تصوف است. این اثر به نام «طبقات الصوفیه» در بردارنده شرح حال کوتاهی از نکات مهم و اساسی اقوال صوفیان برجسته در نواحی شرقی خلافت اسلامی طی قرون ۳ ق/۹ م تا ۴ ق/۱۰ م است. از میان ۱۰۵ صوفی ذکر شده در این کتاب، تنها سه صوفی متعلق به قرن ۲ ق/۸ م است. از میان باقی صوفیان مذکور در این کتاب ۵۹ نفر اهل خراسان و ۳۱ نفر اهل عراق هستند و متعلق به قرن سه تا چهار قمری هستند. سلمی می‌گوید هدف او در طبقات الصوفیه، ذکر آن دسته از اقوال (کلام)، ویژگی‌های (شمائل) و اطلاعات سرگذشتنامه‌ای (سیرت) آنان است که هر یک بیانگر شیوه (طریقت)، حالات عرفانی (حال) و دانش مذهبی (علم) هر یک از صوفیان می‌باشد.

ارزش این اثر به این علت است که سلمی تنها به گردآوری بیانات صوفیان نپرداخته بلکه به معرفی دقیق سلسله راویان اقوال سهل می‌پردازد. همین ویژگی است که اثر او را به عنوان یکی از منابع مهم، مرجع و قابل اطمینان برای منابع اولیه تصوف درآورده است.

علاوه بر اینها، طبقات سلمی، از منابع مهم و بی‌واسطه تصوف در میان منابع مهم و اصلی تصوف قرن پنجم هجری همچون حلیه الاولیاء ابو نعیم، رساله فی التصوف قشیری و طبقات الصوفیه انصاری می‌باشد.

سلمی در اواسط طبقه دوم کتابش، بخشی را به سهل تستری اختصاص می‌دهد. نام کامل و القابی را که استاذ تستری، محمد بن

سوار به او داده، ذکر می‌کند. مطالبی درباره رو به رو شدن ذوالنون با تستری می‌آورد و دو تاریخ احتمالی مرگ تستری را بیان می‌کند. آنگاه گفتارهای ویژه تستری را که در میان اینها احتمالاً یک پند یا موعظه از تستری که در «آداب الصحبه و حسن العشره» آورده است را نقل بیان می‌کند. طبقات الصوفیه صریحاً، جریری و محمد بن سالم بصری و مزین را از شاگردان تستری می‌شمارد.

سلمی، بسیاری از مطالبی را که تستری در طبقات الصوفیه آورده است، با اجازه ابوبکر محمد بن عبدالله بن شاذان الرازی (۶۷۳ ق/۹۸۶ م)، ابونصر عبدالله بن علی السراج (متوفی ۳۷۸ ق/۹۸۸ م)، ابوالحسن محمد بن احمد فارسی (متوفی ۴ ق/۱۰ م) و ابوالفتح یوسف بن عمر البغدادی (متوفی ۳۸۵ ق/۹۹۵ م) ذکر کرده است. به نظر می‌رسد ابوالفتح یوسف بن عمر البغدادی، از جمله انتقال دهندگان عقاید تستری باشد. و عقایدی را که توسط عبیدالله بن جعفر السراج با اجازه شاگرد تستری به نام عمر بن واصل به سایرین منتقل شده را نشر می‌داد. اینها حلقه منتقل کنندگان عقاید تستری را تشکیل می‌دهند که واسط بین تستری و محمد بن سوار (استاد تستری) بودند و از طریق وی با معروف

الکرخی صوفی (متوفی ۲۰۰ ق/۸۱۵ م) و با محدثین از جمله جعفر، سلیمان، ثابت، انس با پیامبر (ص) ارتباط برقرار می‌کردند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد الرازی عقایدی از تستری جمع‌آوری کرده، که توسط ابوالحسن احمد بن سالم (متوفی ۳۵۶ ق/۹۶۷ م) و ابوصالح المالکی البصری به دیگران انتقال داده می‌شد.

این عقاید عام تستری، علاوه بر سیر و سلوک روحی صوفی، بر لزوم مجهز شدن وی به معارف و آداب دینی تأکید دارد. به طوری که می‌گوید خدا مرکز توجه و قبله انسان است؛ نیت کانون تمرکز قلب است، قلب مرکز و کانون تمرکز بدن است و بدن کانون تمرکز وجود جوارح است و جوارح کانون تمرکز دنیا است.

عقاید و روایات تستری که توسط الفارسی منتقل شده است، به نظر می‌رسد به تمایزات بین مراتب کمال میان انسان و صوفی می‌پردازد:

«آیات و نشانه‌ها از آن خداوند است؛ معجزه متعلق به پیامبران و انبیاء است. کرامت متعلق به اولیاء است؛ عنایات خداوندی برای مریدان و تمکین و تسلیم مختص خصوص و برگزیدگان است.»

از سه طریق با عقاید تستری ارتباط برقرار شده است: مسیر اول از طریق عباس بن عصام هدایت می‌شود، مسیر دوم از طریق محمد بن الحسین و مسیر سوم از طریق ابو یعقوب البلدی. دو گفتار از تستری (که یکی از آنها در طبقات الصوفیه و دیگری در آداب الصحبه آمده است)، توسط ابو محمد قواریری (متوفی ۳۱۱ ق/۹۲۳ م) به سلمی رسیده است.

آثار جعفر الخلدی (متوفی ۳۴۸ ق/۹۵۹ م) و ابوالعباس محمد بن الحسن البغدادی (متوفی ۳۶۱ ق/۹۷۱ م) بر روی توصیف صدیق متمرکز است. منابع سراج از عقاید تستری، گوناگون و چندگانه است وی همچون سلمی مطالب خود را از محمد بن الحسین، ابوبکر میافارقانی (متوفی ۳۲۰ ق/۹۳۲ م) و محمد

رتال جامع علوم انسانی
طبقات الصوفیه
خواجه عبدالله انصاری
بیچ و بیچ
عبدالحسین قشیری
بابا و کوش
حسین آبی

بن سالم (۲۹۷ ق/ ۹۰۹ م) به عنوان انتقال دهندگان مستقیم عقاید تستری استنتاج و دریافت کرده است.

حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء

ابو نعیم احمد بن عبدالله الاصفهانی (۴۳۰ ق/ ۱۰۳۸ م)، صوفی فارسی نژاد که سفرهایی را به عراق، حجاز و خراسان داشته، مجموعه قابل توجهی از مواعظ و گفتارهای تستری را از بیش از ۶۰۰ نسخه خطی متون تصوف گردآوری کرد و اطلاعات سرگذشتنامه‌ای را به آن افزود و سلسله روایان را ذکر نمود.

این اثر در سال ۴۲۲ ق/ ۱۰۳۱ م تحت عنوان *حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء* تکمیل شد. هدف ابو نعیم از گردآوری این مطالب این چنین توصیف شده: «این مطالب نوشته شد تا چیزهایی را که درباره تصوف واقعی و حقیقی است، تقویت شده گسترش یابد، همان تصوفی که با گرایش‌ها و باورهای ناب دینی همخوانی دارد و حمایت می‌شود.»

گزارش ابو نعیم از افکار سهل تستری، شامل فهرستی از سخنان و مواعظ تستری است که از منابع مکتوب و شفاهی موجود و در اختیار گردآوری شده است. از جمله *طبقات الصوفیه سلمی*. منتقدان افکار تستری باعث ایجاد دو یا سه مرحله واسط و میانجی بین ابو نعیم و تستری شده‌اند. شرح حال تستری در *حلیة الاولیاء* از میزان اطلاعات کمی که سلمی می‌دهد فراتر نمی‌رود. یعنی اطلاعات بیشتری را در اختیار نمی‌گذارد.

در فصلی از *حلیة الاولیاء* که در مورد تستری است، درباره سلسله روایان چنین آمده است: پدر ابو نعیم عمر عثمان بن محمد العثماني اصلی‌ترین افراد معتبر و بی‌واسطه‌ای هستند که ابو نعیم نظریات تستری را از آنان نقل کرده است. پدر ابو نعیم تقریباً نیمی از مطالب را بیان کرده در حالی که بخش دیگری از این مطالب راجع به تستری را عثمانی نقل کرده است و بقیه متن را خود ابو نعیم با اجازه ابو الحسن احمد بن محمد بن مقسیم (متوفی ۳۸۰ ق/ ۹۹۰ م)، محمد بن الحسین بن موسی سلمی (متوفی

۴۱۲ ق/ ۱۰۲۱ م)، ابو الحسن علی بن عبدالله بن جهضم الهمدانی (متوفی ۴۱۴ ق/ ۱۰۲۳ م)، ابو الحسن علی بن احمد بن عبدالرحمن اصفهانی و چند تن دیگر، گزارش نموده است. شیوه کار ابو نعیم در مورد عقاید تستری در حد یک گردآوری است، کسی که هدفش جمع‌آوری مطالب موجود در مورد تستری از منابع متفاوت است. البته در این جا ابو نعیم تمام مطالب موجود از عقاید تستری را ثبت و ضبط نمی‌کند. مدارک نشان می‌دهد که مؤلف در مطالبی راجع به تستری فصلی را از طبقات الصوفیه سلمی انتخاب کرده، و تنها به بخش‌هایی اشاره کرده و به مطالب و بخش‌های مهم‌تر توجهی ننموده است. بنابراین، روشن می‌شود که برداشت ابو نعیم از تستری، برداشتی چند ساختاره و گزینشی بوده که او از منابع انتخاب کرده است.

ج - متون تعلیمی صوفیه

ابوقاسم عبدالکریم بن هوازن بن عبدالملک بن طلحة بن محمد القشیری (متوفی ۴۶۵ ق/ ۱۰۷۴ م) صوفی عرب خراسانی و متکلم اشعری و مرید عارفانی چون ابوعلی الدقاق (متوفی ۴۱۲ ق/ ۱۰۲۱ م یا ۴۰۵ ق/ ۱۰۱۴ م) و عبدالرحمن محمد بن الحسین سلمی (متوفی ۴۱۲ ق/ ۱۰۲۱ م) می‌باشند. تفسیر قشیری بر قرآن که در سال ۴۳۴ ق/ ۱۰۴۲ م با عنوان *لطائف الاشارات*^{۲۱} نوشته شد هیچ‌گونه نقل قولی از تفسیر تستری نمی‌کند اما اظهاراتی را بدون ذکر قائل آن درباره ماهیت عرفانی و الهی آیات قرآنی ذکر می‌کند.

رساله فی علم التصوف قشیری در سال ۴۳۸ ق/ ۱۰۴۶ م برای تطبیق تصوف با عقاید و کلام اشعری تألیف شد. در این که آیا این رساله با هدف نجات تصوف از بدنامی ناشی از کلمات و اظهارات اغراق آمیز و گمراه‌کننده گروهی افراطی و مخالفین اصول اخلاقی با نگرش ملامتیه، گردآوری شده باشد، تردید وجود دارد، اما مسلماً برای نجات ابعاد اخلاقی مذهبی طریقت تهیه شده است و باید به عنوان نماینده و الگوی صوفی سنی متعادل قلمداد گردد. به علت ابعاد تعلیماتی و نیز ساختارش، این رساله

به عنوان راهنمای کلاسیک عرفانی مسلمانان تعیین شد.

از تستری، گاه‌گاهی در رساله قشیریه نقل قول شده است و به طور کلی پس از جنید، ذوالنون و شبلی، به سخنان تستری اشاره شده است. تقریباً هشتاد مورد از عقاید تستری در این رساله به سه شکل ثبت شده است: ۱- اطلاعات سرگذشتنامه‌ای؛ ۲- سخنان حکایت گونه؛ ۳- اشارات و افکار عارفانه تستری

بیشتر اطلاعات شرح حال سهل در رساله قشیریه از مطالبی که توسط سلمی نوشته شده، جمع‌آوری گردیده و چند خط نیز مستقیماً از طبقات الصوفیه سلمی کپی برداری شده است. بخش عمده بیوگرافی تستری، از جمله داستان طولانی راجع به اوایل زندگی تستری (که در منابع پیش از این رساله نیامده است)، با اجازه محمد بن الحسین نقل گردیده است.

در بخش دوم، این حکایات بیانگر و نشان دهنده درک و برداشت حلقه مریدان خاص تستری از اوست، تا جایی که تمایلات و علایق خود را نسبت به تستری - مردی که دارای نیروهای معجزه‌آسا و کردار و رفتار زاهدانه و شگرفی بود - نشان می‌دهند.

ارزش و اعتبار این حکایات، اشاره‌ای است که به رویه‌های سلوکی و رفتاری صوفیانه تستری و پیروانش. همچنین خلاصه‌ای از توضیحات و اشاراتی از عقاید و افکار عارفانه تستری را ضمیمه آن کردند. این اشارات که درباره عظمت شخصیت تستری در رساله آمده است، بر چهار ویژگی او تأکید دارد: ۱- ورع (پرهیز و امساک) ۲- توکل ۳- ذکر ۴- یقین.

کشف المحجوب

ابوالحسن علی بن عثمان بن علی القزوینی الجلابی هجویری (متوفی ۴۶۹ ق/ ۱۰۷۷ م یا ۴۶۵ ق/ ۱۰۷۳ م)، صوفی ایران حنفی مذهب، اهل غزنه است. وی از چندین مرکز از مراکز سیاسی مسلمان‌نشین جهان، پیش از اقامتش در لاهور پاکستان (محلی که در آن فوت کرد) دیدن کرد و احتمالاً در زمان‌های آخر عمرش. جلابی، *کشف المحجوب لاریاب القلوب* را به

زبان فارسی نگاشت و یقیناً هدف از این اثر روش مند در زمینه تصوف، انباشته کردن و جمع کردن اظهارات و گفتارهای شیوخ مختلف نیست، بلکه تفسیر و توضیح عقاید و نظرات صوفیان می‌باشد. بنابراین نسبت به جزئیات سرگذشتنامه‌ای درباره سلسله مراتب تصوف به شکل سیستماتیک بی‌توجه است، جلابی مطالب خود را اساساً از عقاید بیان شده به شکل شفاهی و گفتاری ترسیم کرده است اما همچنان در طرح مطالب خود از مطالب اللمع السراج نیز تأثیرات فراوانی پذیرفته است.

در کنار اللمع السراج، آثار سلمی و قشیری، برای جلابی (که گاهی نظرات شخصی خود را بیان می‌کرد و گاهی نیز به توضیحاتی درباره یک نکته می‌پرداخت) شناخته شده بود. به نظر می‌رسد، کشف المحجوب، اولین منبع موجودی است که مطالب راجع به صوفیان قرن ۴ ق/ ۱۰ م و ۱۱ م را مطابق با مکاتب ذکر شده ثبت کرده است.

یکی از دوازده مکتب علمی و فلسفی‌ای که توسط جلابی نامبرده شده، مکتب سهلیه است که توسط مریدان تستری ایجاد شده است.

بعد از جنید، بسطامی و شبلی، تستری یکی از افرادی است که بیشترین نقل قول از او در کشف المحجوب شده است.

الگوهای ارائه شده از تستری در رسالات تصوف فوق‌الذکر، متون تعلیمی صوفیه و شرح زندگی اولیاء و مقدسین تاریخ انبیاء نشان‌دهنده ویژگی‌های متمایز سلوک و افکار تستری است. ویژگی‌های اساسی این الگوها که از تستری در کتاب دیگران ارائه شده و نیز ویژگی‌ها غالب عقاید تستری (که در آثار موجود که به او نسبت داده شده) ثبت شده است به خصوص تفسیر قرآن او، تمامی افکار بنیادی صوفیانه تستری را در برمی‌گیرد و زمانی که این ویژگی‌ها با هم جمع می‌شوند افکار صوفیانه موثق تستری به تمامه نمایان می‌گردد.

همانطور که ذکر شد، الگوها و ابعاد ارائه شده از تستری در منابع مختلف کاملاً متمایز است. به طوری که در کتاب اللمع السراج، تستری به عنوان استادی با کمالات معرفی

شده، که با رعایت اصول تصوف در زندگی به ارشاد و راهنمایی مریدان می‌پردازد. مدل کلابادی از تستری که براساس نقل تعداد محدودی از گفتارهای تستری در التعرف شکل گرفته، بر دانش عرفانی تستری به عنوان اصلی‌ترین دستاورد از تصوف تأکید دارد و نیز به بیان اشاراتی از تستری درباره توکل به خدا می‌پردازد.

به علت تأثیر بسزایی که عقاید تستری در قوت القلوب مکی (آخرین مؤلفی که با گروه مریدان تستری ارتباط مستقیم داشت) گذاشت، شواهد فراوانی را از تعالیم تستری درباره «مراحل یقین» و وظایف و شرایط صوفی در سیرش به سوی خدا ارائه می‌دهد که این امر باعث حفظ عبارت‌ها و قطعات اغنی و جوهری مفاهیم کلامی تستری درباره ایمان و اراده خلاق خداوندی شد. همچنین علم القلوب که اثری است کاملاً خفیه و باطنی، به انعکاس برداشت عرفانی تستری درباره ازلت می‌پردازد و بر معرفت و دانش صوفی تأکید دارد.

طبقات الصوفیه سلمی، در کنار ارائه اطلاعاتی کوتاه در باب بیوگرافی تستری، برای ارائه افکار تستری، به تهیه منتخبی از نکات عرفانی تستری که در منابع مختلف وجود دارد، می‌پردازد. **کتابخانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی** **فرهنگستان** **چهره‌ای که ابو نعیم در خلیة الاولیاء از**

تستری ارائه می‌دهد، ترکیبی از شیوه‌های مختلف انتقال عقاید تستری است. به طوری که چندین موضوع از عقاید او را بدون در نظر گرفتن یک رشته پیوسته از افکار کنار هم می‌گذارد. اما این تنوع قابل توجه، در ارزش آن به عنوان مجموعه‌ای از عقاید تستری نهفته است که از اوایل قرن ۴ ق/ ۱۰ م گسترش داده شد. حکایات و اشاراتی که رساله قشیرییه از تستری بیان کرده، بر «توکل به خدا» و «ذکر خدا» به عنوان شاخص و نمونه‌ای از شیوه زندگی عرفانی تستری می‌باشد و دیدگاه عارفانه تستری درباره توحید به عنوان حدّ اعلاّی درک و فهم صوفی از ایمان توصیف شده است. در کشف المحجوب، جلابی در کنار موضوعات بحث برانگیز صوفیانه، سخنان و نکات کلیدی تستری را در قالبی جدلی می‌گنجاند، به طوری که موقعیت تستری را مقابل و مغایر با استادان تصوف قرار داده است نتیجه اینکه، جلابی افکار تستری را با افزودن لایه‌هایی از دیدگاه شخصی خودش در آمیخت.

این رسالات صوفیانه که شرح زندگی اولیا و مقدسین و کتاب تعلیمات هستند و به بررسی تستری می‌پردازند، به شکل‌های موضوعی و انتخابی و به طرق پراکنده و گسسته می‌باشند. آنها در برگیرنده نمونه‌های پراکنده‌ای از ریاضات و افکار عرفانی تستری هستند که



علاوه بر آن که به عنوان نمونه‌هایی از متون و ... برای اثبات اهداف و ساختار خاصی به کار برده شدند. ارزش ویژه این منابع اولیه مربوط به عقاید تستری در دو جنبه است: ۱- آنها عمدتاً ارزیابی و بررسی متقابل و مستقلی را درباره صحت و سندیت افکاری که به تستری نسبت داده شده است، ارائه می‌دهند.

۲- اغلب به عنوان منابعی که بیانگر نکات صریحی از ویژگی افکار عرفانی تستری است، نقش ایفا می‌کنند.

اگرچه هیچ سیستم و نمونه‌ای یکپارچه و منسجم از عقاید و افکار تستری از این منابع، مقدماتی به دست نیامده است، اما همین منابع، مضامین صوفیانه موفق و معتبری از تستری ارائه می‌دهد که اگر به این مضامین صوفیانه و عرفانی، تفسیر (تستری) و نیز مطالب ذکر شده در نسخه خطی کوبریلی (شماره ۷۲۷) را بیافزائیم، به نقاط عطف مهم و مطمئنی از سلسله افکار اندیشه‌های تستری دست می‌یابیم.

۳- آرا و عقاید تستری در منابع بعد از ۴۶۵ ق/ ۱۰۷۴ م.

عقاید تستری پس از این سال، به دو زبان عربی و فارسی نوشته شد و از طریق منابع متنوعی در زمینه تصوف نشر و گسترش یافت که می‌تواند به دو بخش یا دوره تقسیم شود: ۱- دوره اول شامل منابع انصاری (متوفی ۴۸۱ ق/ ۱۰۸۹ م) و منابع غزالی (متوفی ۵۰۵ ق/ ۱۱۱۱ م) و منابع موجود تا عصر ابو حفص عمر سهروردی (متوفی ۶۲۳ ق/ ۱۲۳۴ م) و ابن عربی (متوفی ۶۳۸ ق/ ۱۲۴۰ م) می‌شود، ۲- دوره دوم شامل منابعی است که بعد از میانه قرن ۷ ق/ ۳۱ م وجود داشتند.

منابعی که در دوره زمانی از ۴۶۵ ق/ ۱۰۷۴ م تا ۶۳۸ ق/ ۱۲۴۰ م قرار می‌گیرند، بیشتر شامل مطالبی است که از منابع موجود در دوره قبل کپی‌برداری گردیده و برخی از مطالب جدید راجع به عقاید تستری است که از منابعی انتخاب و گرفته شد که تا آن زمان یافت نشده و یا گم شده بود. با این منابع به تصدیق و تکمیل عقاید تستری، که در حدود تقریباً ۱۵۰ سال پس از مرگ وی باقی مانده است، می‌پردازد و با آوردن

شواهدی از متون در زمینه آرای خود تستری مکرراً به نقل قول از پندها و نکات تستری می‌پردازند و با آوردن حکایاتی که به تستری منسوب است، به توضیح دیدگاه‌های خود می‌پردازند که البته به نظر می‌رسد این دیدگاه‌ها گاهی از سلوک و افکار تستری الهام می‌گیرند. اندکی از نوشته‌هایی که راجع به زندگی‌نامه تستری و پیروانش از منابع این دوره ثبت شده‌اند، اطلاعات تاریخی مختصر و مفیدی به ما ارائه می‌دهد و اطلاعات اندک و ناقصی را که در منابع تاریخ اسلامی داریم تا حدودی گسترش می‌دهد. نقل قول‌های عقاید تستری که در آثار غزالی و ابن‌عربی دیده می‌شود، نمونه‌ای از ترکیب و تلفیق عظیم از مذهب و عقلانیت در اسلام را به ما ارائه می‌دهد و بیانگر ارزش والای عقاید تستری نزد عالمان و شارحان تعالیم مذهبی اسلام می‌باشد. اما به طور کلی منابع تصوف حاوی عقاید تستری در دوره ۴۶۵ ق/ ۱۰۷۴ م تا ۶۳۸ ق/ ۱۲۴۰ م مطالب کمتر و محدودتری در مقایسه با منابع تصوف حاوی عقاید و اقوال تستری پیش از تاریخ ۴۶۵ ق/ ۱۰۷۴ م دارد.

طبقات الصوفیه

ابواسماعیل عبدالله بن محمد بن علی انصاری (متوفی ۴۸۱ ق/ ۱۰۸۹ م)، صوفی حنبلی اهل هرات، نخستین متن طبقات الصوفیه به زبان فارسی را احتمالاً در حدود سال ۴۷۵ ق/ ۱۰۸۳ م نوشت. طبقات انصاری شدیداً وابسته به طبقات سلمی است به طوری که طبقات انصاری نسخه فارسی بسط داده شده همان طبقات سلمی است که مجموعه‌ای است از یادداشت‌هایی که یکی از شاگردان انصاری حین تدریس استادش که احتمالاً کتاب طبقات سلمی را به عنوان کتاب آموزش تدریس می‌کرد، به عنوان یک کتاب گردآورد.

ارزش و اعتبار طبقات انصاری که راجع به عقاید تستری بود، در نمود و بروز موثری است که در اواخر قرن ۵ ق/ ۱۱ م حدود دویست سال پس از مرگ تستری خود را نمایاند و باعث پدیدار شدن سبک استانداری از افکار تستری در منابع تصوف گردید.

کشف الاسرار میبیدی

رشیدالدین ابوالفضل سعید میبیدی (متوفی ۵۳۰ ق/ ۱۱۳۵ م) در سال ۵۲۰ ق/ ۱۱۲۶ م تفسیر فارسی بر قرآن نوشت و عنوان آن را کشف الاسرار و عده الا برار گذاشت.

این اثر همچنین با نام تفسیر پیرهرات، خواجه عبدالله الانصاری شناخته شده است، و در واقع منبع عمده میبیدی در تالیف اثرش، همان تفسیر خواجه است و می‌توان گفت تفسیر میبیدی، شرح و سبب تفسیر خواجه عبدالله است. کشف الاسرار میبیدی دارای ساختار اصولی و قاعده‌دار می‌باشد به طوری که به تبعیت از قرآن دارای سی جزء است و یا آیات را به بخش‌هایی به نام مجلس تقسیم کرده و در هر مجلس، سه نوبت مطلب گفته است بدین نحو که در نوبت اول متن عربی قرآن را با ایجاز به زبان فارسی برمی‌گرداند و در نوبت دوم که تفسیر است، به وجوه معانی و اسباب نزول و بیان احکام و ذکر اخبار می‌پردازد. همچنین عقاید و حکایات مرتبط را نیز ذکر می‌کند. در نوبت سوم بنا به تعریف میبیدی شامل: رموز عارفان، اشارات صوفیان و لطائف مذکران می‌باشد.

تستری تقریباً در بیست و چهار مورد با آوردن اقوالش در کشف الاسرار نامش ذکر شده است. اندکی از این اقوال در بخش دوم و بخش اعظم آنها در بخش سوم کتاب میبیدی آمده است.

اما بیشترین نشان از این نقل قول‌ها را می‌توان در کتاب اللمع سراج، در قوت القلوب مکی و در حلیة الاولیاء ابو نعیم یافت؛ مؤلفان فوق از وجود آثار دقیق و بی‌واسطه تستری در بخشی از آثار میبیدی بی‌اطلاع بودند. کشف الاسرار نیز صرفاً شامل قول‌های مستقیم و بی‌واسطه از تفسیر تستری نیست.

احیاء العلوم

ابوحمید محمد بن محمد بن طوسی غزالی (متوفی ۵۰۵ ق/ ۱۱۱۱ م) اثر سترگ خود به نام احیاء العلوم/الدین را در دهه ۴۹۰ ق/ ۱۰۹۷ م تا ۴۹۹ ق/ ۱۱۰۵ م تکمیل کرد. وی در این اثر حدود شصت مورد برگزیده از گفته‌های تستری را ذکر

کرده است که بیشتر آنها را از قوت القلوب مکی گرفته و حداقل یک متن مهم و بسیار ارزشمند را هم از رساله قشیریه کپی گرفته است.

گزیده غزالی از تعالیم تستری راجع به معرفت و شناخت عرفانی و نیز مختصری از دیدگاهش درباره گرسنگی و روزه در مجموع بیانگر جنبه‌های مهمی از عقاید تستری است.

در دو کتاب عین‌القضات الهمدانی (متوفی ۵۲۵ ق/ ۱۱۳۱ م) نیز که به عربی نوشته شده، از تستری سخن به میان آمده. یک بار در زیده الحقایق و سه مرتبه در شکوی‌الغریب؛ از طرف دیگر، در مهمترین اثر فارسی عین‌القضات به نام تمهیدات نیز چندین موعظه بی‌نظیر و خفی از تستری آمده است.

ماسینیون معتقد است که ابن بزجان (متوفی ۵۲۶ ق/ ۱۱۴۱ م) صوفی اندلسی متأثر و مرهون رساله‌های سلمی است که تنظیم و قواعد یک دستی از نظریه‌های تستری که شاگردان او اظهار کرده‌اند جمع‌آوری کرده است.

به هر حال ما قادر نیستیم که در بخش دوم تفسیر قرآن ابن بزجان که نسخه خطی آن موجود است و تنبیه‌الافهام نام دارد (مونخ، ۱۱۴۹ ق/ ۱۱۴۹ م) چند گفتار تستری را در کتاب الشفاء بتعریف حقوق المصطفی نقل می‌کند که بیشتر این نقل قول‌ها، تکه‌هایی از تفسیر آیات قرآن است.

ابن خمیس الموصلی (متوفی ۵۲۲ ق/ ۱۱۵۷ م)، مناقب‌الابرار و محاسن‌الاخیار را به تقلید از رساله قشیریه نوشت در حقیقت بخشی که در این اثر به تستری تعلق دارد، چکیده‌ای از طبقات سلمی و رساله قشیریه است.

(cf. ms. Br. Mus. Add. 23, 367, ff. 50a-55b)

المنتظم

ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد ابن الجوزی (متوفی ۵۹۷ ق/ ۱۲۰۰ م) نویسنده‌ای حنبلی اهل بغداد، که در تمامی شاخه‌های تعالیم مذهبی صاحب اثر بود؛ اثر تاریخی او

به نام المنتظم، شامل متن کوتاهی از تستری است، در حالی که در کتاب صفات الصوفیه خود، مجموعه‌ای از اقوال تستری را لیست کرده است که بخشی از آنها از حلیه‌الاولیاء نقل شده. ابن جوزی در بحث و جدلی براساس مذهب حنبلی که در کتاب تلبیس/تلبیس خود آورده، به اعمال غریب صوفیان می‌تازد و سراج، مکی، ابو نعیم و قشیری را مورد حمله قرار می‌دهد و بعضی از ارجاعاتشان به تستری را نقد و انتقاد می‌کند.

در سال ۵۶۶ ق/ ۱۱۷۱ م، ابن الجوزی کتاب تم‌الیهوی را نگاشت که در آن برخی اقوال تستری را که توسط مریدان او نقل شده، ثبت کرده است.

محمد بن منور بن ابی سعید بن طاهر بن ابی سعید بن ابی الخیر (متوفی ۶۰۰ ق/ ۱۲۰۳ م) نویسنده رسالات صوفیانه به زبان فارسی و نویسنده اسرار التوحید که شیوه زندگی و تعالیم ابوسعید ابوالخیر (متوفی ۴۴۰ ق/ ۱۰۳۹ م) است، در اثر خود دو مورد ارجاع به تستری دارد. ابو محمد روزبهان بن ابی نصر البقلی (متوفی ۶۰۶ ق/ ۱۲۰۹ م) عارف ایرانی سنی مذهب اهل شیراز، سه اثر نگاشت که هر سه به عنوان منابعی در مورد سنت تستری، بسیار مهم هستند. شرح شطحیات را در سال ۵۷۰ ق/ ۱۱۷۴ م نوشت که به عنوان برگردان فارسی اثر عربی‌اش به نام منطق‌الاسرار که مجموعه‌ای

است از تفسیر سخنانی که از روی وجد و جذب است و عمدتاً از حلاج و همچنین سایر صوفیان قرن ۲ ق/ ۸ م تا ۴ ق/ ۱۰ م که در میان آنها تستری هم می‌باشد. بقلی در سال ۵۷۹ ق/ ۱۱۸۴ م مشرب‌الارواح را نوشت و در آن اقوال تستری را ذکر کرد. کتاب عریض‌البیان او، تفسیری است صوفیانه بر آیاتی انتخابی از قرآن که شامل تفاسیر و تعبیر عرفانی خود بقلی است که در کنار بخش‌های اصلی کتاب که از حقایق التفسیر سلمی کپی گرفته شده و اندکی نیز از تفسیر قرآن قشیری گرفته شده، آمده است. بقلی احتمالاً دسترسی مستقیمی به تفسیر تستری داشته زیرا او عباراتی را از تستری نقل می‌کند که در نسخه خطی حقایق التفسیر سلمی نیامده است.

تذکره‌الاولیاء

فریدالدین محمد بن ابراهیم عطار (متوفی ۶۲۷ ق/ ۱۲۳۰ م)، شاعر عارف ایرانی و نویسنده‌ای با آثار فراوان، تذکره‌الاولیاء را احتمالاً در آخرین سال‌های عمرش گردآوری کرد. هرچند فرم کار به شیوه کتاب الطبقات انصاری و سلمی است، اما عطار مطالب خود راجع به تستری را از رساله قشیریه و حلیه‌الاولیاء ابونعیم استخراج کرده است. او همچنین چندین حکایت درباره تستری و چندین اشاره به تستری که در جاهای مختلف از کتب شرح حال زندگی اولیاء و مقدسین آمده را در اثر خود آورده است.

شهاب‌الدین ابو حفص عمر سهروردی (۶۲۳ ق/ ۱۲۴۴ م)، صوفی مقیم بغداد، منصب شیخ الشیوخی را در زمان خلافت الناصر (متوفی ۶۲۳ ق/ ۱۲۲۵ م) داشته است.

او معروفترین اثر خود به نام عوارف المعارف را تقدیم همین خلیفه کرد؛ اثری که در آن مکرز از تستری یاد شده است. عقاید و سنت سهل که وارد مصباح‌الهدیه عزالدین محمود بن علی الکاغانی (متوفی ۷۳۵ ق/ ۱۳۳۵ م) شده بود، عمدتاً بر پایه عوارف المعارف سهروردی ایجاد شده، اما چند مطلب از منابع دیگر نیز آورده است.

الفتوحات المکیه

ابوبکر محمد بن علی محی‌الدین ابن العربی (۶۳۸ ق/ ۱۲۴۰ م) سخنان تستری را در اثر تاریخی خود به نام الفتوحات المکیه نقل کرده و برخی گفته‌های تستری را در فصوص‌الحکم خود آورده در حالی که محضرات‌الابرار او تنها شامل دو حکایت درباره تستری است.

ابن العربی موضوع سر‌الربوبیه را شرح و بسط داد و حیرت تستری درباره سجودالقلب را آشکار ساخت. در ذکر جزئیات مهم دیدگاه تستری راجع به قلمرو ازلیت، ابن العربی برخی از مصطلحات عارفانه تستری را در اثر خود آورد، به عنوان مثال واژگانی چون: هبأ، برزخ، عدل و معرفت.

به نظر می‌رسد، ابن‌العربی این مطالب تستری را از آثار عارف اسپانیایی، ابن‌برجان (متوفی ۵۳۶ ق/۱۱۴۱ م) و ابن‌العارف (۵۳۶ ق/۱۱۴۱ م) و همچنین از میراث تصوف ابومدین متوفی (۵۹۴ ق/۱۱۹۷ م) اقتباس کرده است.

سنت تستری موجود در منابع تصوف که متعلق به بعد از نیمه دوم قرن ۷ ق/۱۳ م هستند اساساً از منابع پیش از خود کپی‌برداری شده‌اند و اصالت کمتری دارند. مگر برخی عبارات و قطعه‌های مهجوری که می‌توان در آثار یافعی (متوفی ۷۶۸ ق/۱۳۶۷ م)، جامی (متوفی ۸۹۸ ق/۱۴۹۲ م) عبدالوهای شعرانی (متوفی ۹۷۳ ق/۱۵۶۵ م) و عبدالرؤف مناوی (متوفی ۱۰۳۲ ق/۱۶۲۲ م) یافت، مطلب جدید دیگری را به تستری را نمی‌توان از این منابع جمع‌آوری کرد.

بیست و چهار گفتار مربوط به تستری که در *اوراد الاحباب اثر ابوالمفاخر یحیی باخرزی* (متوفی ۷۲۴ ق/۱۳۲۴ م) نقل شده، بیشتر ترجمه فارسی قطعات منتخبی از *قوت‌القلوب* مکی و *عوارف المعارف* سهروردی است.

عقیق‌الدین عبدالله بن اسعد بن علی یافعی یمنی (متوفی ۷۶۸ ق/۱۳۶۷ م)، بیشتر عمرش را در حجاز زیست. اثر تاریخی او به نام *مرآة الجنان* به بررسی سرگذشتنامه تستری می‌پردازد که البته براساس مطالب رساله قشیریه است و نیز حکایتی را که بیشتر در *حلیة الاولیاء* نقل شده را ذکر می‌کند. *روضه‌الریاضین* و *نشر المحاسن* یافعی نیز شامل چند گفتار و حکایت است که به تستری نسبت داده شده است که همه این مطالب نمی‌تواند یکجا از منابع قبل‌تر و ابتدایی‌تر آمده باشد.

ابن‌ملقن سراج‌الدین ابوحفص عمر بن علی المصری (متوفی ۸۰۴ ق/۱۴۰۴ م) در کتاب *طبقات الاولیاء* خود به بیان شرح حال کوتاهی از تستری با نمونه‌هایی از نظریه‌های او می‌پردازد.

نفحات الانس

نورالدین عبدالرحمن جامی (متوفی ۸۹۸ ق/۱۴۹۲ م) شاعر عارف ایرانی، معروف به شاعر دل، مجموعه زندگی‌نامه‌های عارفان را با عنوان *نفحات الانس* تألیف کرد او این کتاب را در سال ۸۸۱ ق/۶۷۴۱ م به شیوة طبقات انصاری تدوین کرد. مطالبی نیز از تذکرة الاولیاء عطار نقل قول کرد و مقدمه‌ای به شکل مقاله درباره تصوف به کتابش افزود. درباره عقاید تستری، نفحات الانس مطلب جدیدی برای گفتن نداشت.

عبدالوهاب الشعرائی (۳۷۹ ق/۱۵۶۵ م) نویسنده صوفی مشرب معروف مصری در *الطبقات الکبری* فصلی را به تستری اختصاص داد و در *الانوار القدسیه*، تعدادی از اقوال تستری را نقل کرد. نورالله الشوشتری (متوفی ۱۰۱۹ ق/۱۶۱۰ م) زندگی‌نامه‌ای از تستری را آورده و مطالبی را به رابطه تستری با استادش محمد بن سوار ذکر کرد. *عبدالرؤف المناوی* (متوفی ۱۰۳۲ ق/۱۶۲۲ م) چندین صفحه از *الکوکب الدریه* خود را به تستری اختصاص داد و آثار غزالی و ابن‌العربی را در زمره منابع خود ذکر کرد. *دارا شکوه* (متوفی ۱۰۶۹ ق/۱۶۵۹ م)، در *سفینه الاولیاء* که شرح زندگی اولیاء و مقدسین به زبان فارسی است و در ۱۰۵۰ ق/۱۶۴۰ م نوشته شده، بخش کوچکی را به سهل بن عبدالله تستری پرداخته و وی را صوفی حنفی مذهب معرفی می‌کند.

علام سرور لاهوری، تستری را در *خزینة‌الاصفیاء* خود معرفی می‌کند که بیشتر متکی به اثر دارا شکوه است.

عبدالحی ابن‌العماد (متوفی ۱۰۸۹ ق/۱۶۷۹ م) زندگی‌نامه تاریخی خود به نام *سدرات‌الذهب فی‌اخبار من‌ذهب* را در تاریخ ۱۰۸۰ ق/۱۶۷۰ م به پایان رساند و مطالب خود را به تستری را طبق مطالب طبقات سلمی، *حلیة‌الاولیاء* ابونعیم، و *بلغة‌الغواص* ابن‌عربی نوشته است.

طرائق‌الحقائق معصوم علی شاه (متوفی ۱۲۱۲ ق) اشارات فراوانی را به تستری، که غزالی در *احیاء علوم‌الدین*، ابن‌العربی در

الفتوحات المکیه، جامی در *نفحات الانس* و شوشتری در *مجالس المؤمنین* آورده، همه را ثبت کرده است.

آنچه راجع به تستری در اثر مصطفی‌العروسی (۱۲۹۳ ق/۱۸۷۶ م) به نام *نتایج الافکار القدسیه* آمده، برگفته‌های غزالی و ابن‌عربی تکیه دارد آنچه از تستری در *روضة الجنات* محمدباقر بن امیر الخوانساری (متوفی ۱۳۱۳ ق/۱۸۹۵ م) آمده، مبتنی بر مطالب رساله قشیریه است.

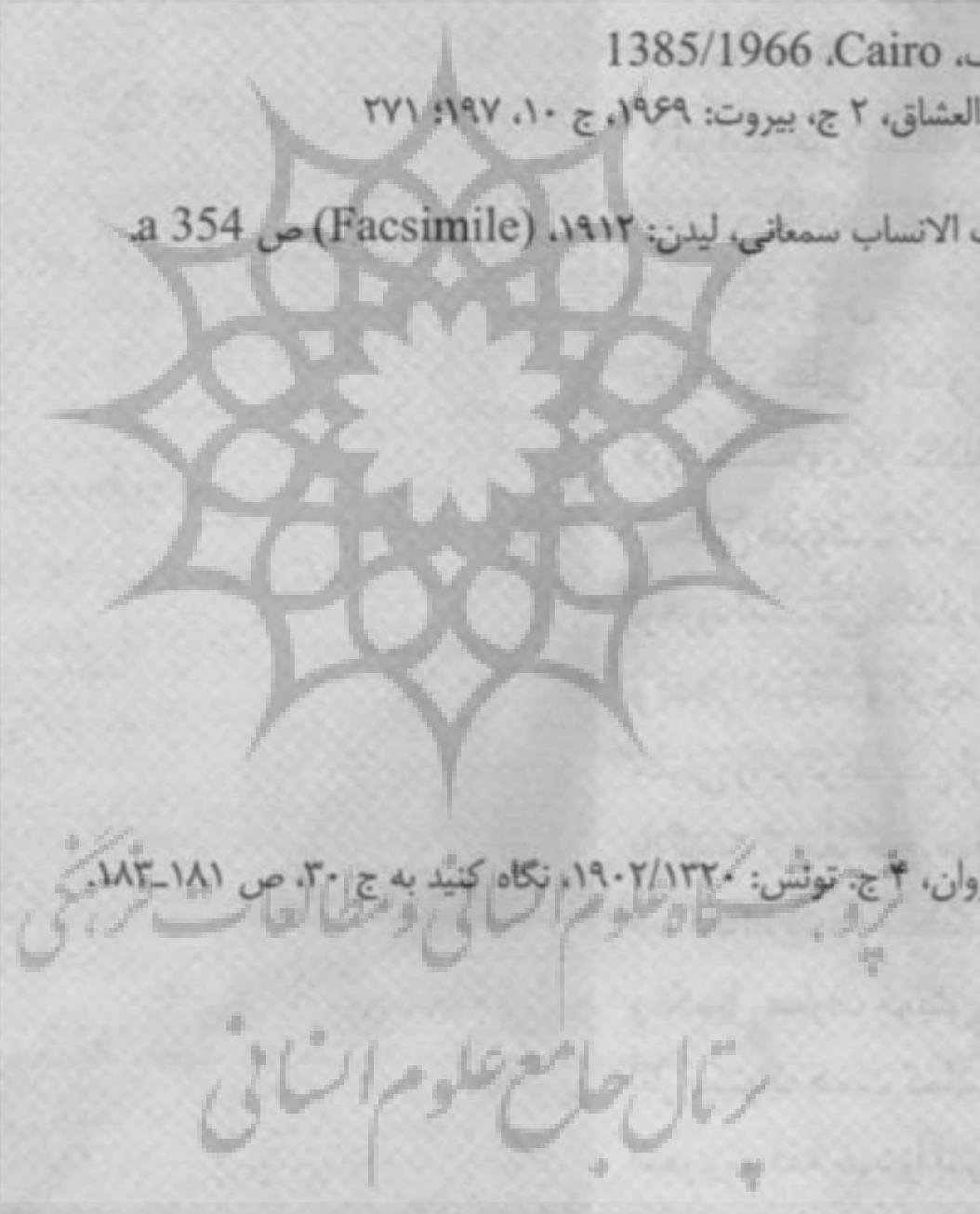
مطالب‌نبهانی (متوفی ۱۳۵۰ ق/۱۹۳۲ م) راجع به تستری بیشتر متکی بر مطالب یافعی است که از کرامات الاولیاء جامی نقل می‌کند. تاریخ دانان مسلمان، سرگذشتنامه نویسان و جغرافی‌دانان، راجع به تستری بسیار مختصر اظهارنظر کرده‌اند. *سمعانی* (متوفی ۵۶۲ ق/۱۱۶۷ م) در کتاب *الانساب* خود، تستری را زیر نسبت تستر آورده است. *یاقوت* (متوفی ۶۲۴ ق/۱۲۲۹ م) در *معجم‌البلدان* خود مطلبی کوتاه راجع به تستری می‌نویسد. *قزوینی* (متوفی ۶۸۲ ق/۱۲۸۳ م) یک صفحه را در *اثر البلاد* به تستری اختصاص می‌دهد. ابن‌الانیر (متوفی ۶۳۰ ق/۱۲۳۳ م) در *الکامل فی‌التاریخ* خود، توضیحاتی در مورد درگذشت تستری و چند تن از شاگردانش می‌آورد.

ابن‌خلکان (متوفی ۶۸۱ ق/۱۲۸۲ م) در *وفیات الاعیان* خود، سرگذشتنامه تستری را کاملاً برپایه رساله قشیریه می‌نویسد و بخشی را به عنوان مکالمه بین تستری و ابو داوود سجستانی (متوفی ۲۷۵ ق/۸۸۹ م) اضافه می‌کند.

نهبی (متوفی ۷۴۸ ق/۱۳۴۸ م) در کتاب *العبر* خود مطالب راجع به تاریخ وفات سهل می‌نویسد. *ابن‌کتیر* (۷۷۵ ق/۱۳۷۴ م) از تستری در *البلایه و‌النهایه* سخن می‌گوید؛ شبیه مطالبی که ابن‌الجوزی در *المنتظم* می‌نویسد. در *رحله*، ابن‌بطوطه (۷۷۹ ق/۱۳۷۷ م) به حجره و مزار تستری اشاره می‌کند. و بالاخره ابن‌تغری بردی (۸۷۴ ق/۱۴۶۹ م) مطالبی راجع به تاریخ وفات تستری در *النجوم الزهره* خود می‌آورد.

پانویست ها

- ۱- کتاب الفهرست و ابن الندیم: J.W.Fuck, EI2, III, 895 (art ed. G. Flugel), Leipzig 1872, p. 182.
- ۲- کلاباذی، ابوبکر محمد بن اسحاق، کتاب التعرف لمذهب اهل التصوف، (ویرایش A.J. Arberry، Cairo: 1934، ص ۱۱)؛ A.J. Arberry، اصول و عقاید راجع به صوفی، کمبریج، ۱۹۳۵، ص ۱۳.
- ۳- جلابی، ابوالحسن علی الهجویری، کشف المحجوب (ویرایش V.A Zhukovsky)، تهران: ۱۳۳۶، ص ۴۳۹؛ خلاصه شده آرای نیکسون، کشف المحجوب، لیدن، ۱۹۱۱، ص ۳۳۸.
- ۴- A.H. Abdel-Kader، زندگی، شخصیت و متون الجنید، لندن: ۱۹۶۲، ص ۰۴ (متن)؛ ص ۱۶۰ (ترجمه)
- ۵- ابن خلدون، ولی الدین عبدالرحمن بن محمد، کتاب العبر، بیروت: ۱۹۶۱، جلد اول، ۲۰۶f
- ۶- ابن قطلوبغا، تاج التراجم (میرایش جی.فلوجل)، Leipzig 1862، ص ۵۱
- ۷- داوودی، شمس الدین محمد بن علی بن احمد، طبقات المفسرین، ج ۲، Cairo: 1938/1392، جلد ۱، ص ۲۱۰
- ۸- مناوی، عبدالرؤف، الکواکب الدرّیه فی تراجم السادات الصوفیه، ج ۲، CF.1.Cairo: 1938، ص ۲۴۳
- ۹- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی، کشف الظنون، (ویرایش 4.G. Flugel) و Leipzig - ۱۸۳۵، CF.IV., = nr.9437 و 518 (= nr.8534) 303 (and IV)
- ۱۰- بغدادی، اسماعیل پاشا، هدیه العارفین، ج ۲، استانبول: ۱۹۸۱-۵۵، ج ۱۰، ص ۴۱۲
- ۱۱- زرکلی، خیرالدین، الاعلام، ج ۱۰، Cairo: 1959، ۱۹۵۴، جلد ۳، ص ۲۱۰
- ۱۲- کحّاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، ج ۱۶، Damascus - 1961، ۱۹۵۷، ج ۴، ص ۲۸۴
- ۱۳- کارل بروکلمان، ج ۲ و ۳ پیوست، لیدن: ۱۹۳۷-۱۹۴۹، ج ۱۰، ص ۱۹۰، پیوست ۳۳۳
- ۱۴- سزگین، GAS، ج ۱۰، ص ۶۴۷
- ۱۵- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم، رساله فی علم التصوف، Cairo، 1385/1966
- ۱۶- سراج، ابومحمد جعفر بن احمد بن الحسین، مصارع العشاق، ج ۲، بیروت: ۱۹۶۹، ج ۱۰، ۱۹۷؛ ۲۷۱
- ۱۷- سزگین، GAS، ج ۱۰، ص ۶۴۷۰
- ۱۸- Saqali، نه Siqilli؛ همچنین نگاه کنید به کتاب الانساب سمعانی، لیدن: ۱۹۱۲، (Facsimile) ص 354 a
- ۱۹- سزگین، GAS، ج ۱۰، ص ۶۴۷۰
- ۲۰- Massignon, Tawasin, 195
- ۲۱- بروکلمان، 333 SIGAL
- ۲۲- Massignon, SEI, 489
- ۲۳- سزگین، GAS, I ۶۴۷: GAS 444
- ۲۴- Rrinert, Lehre; 293
- ۲۵- Brocklemann, GAL, SI 333
- ۲۶- سزگین، GAS, I, 666
- ۲۷- سمّانی، کتاب الانساب، ص 345 a
- ۲۸- بغدادی، هدیه العارفین، ص ۵۱۴
- ۲۹- ابن ناجی، القاسم بن عیسی، معالم الامان اهل القیروان، ج ۴، نوشتن: ۱۹۰۲/۱۳۲۰، نگاه کنید به ج ۳۰، ص ۱۸۱-۱۸۳.
- ۳۰- ابن ناجی، معالم، ج ۳۰، ص ۹۱
- ۳۱- ابن ناجی، معالم، ج ۳۰، ص ۹۶
- ۳۲- ابن ناجی، معالم، ج ۳۰، ص ۹۸
- ۳۳- ابن ناجی، معالم، ج ۳۰، ص ۹۷
- ۳۴- ابن ناجی، معالم، ج ۳۰، ص ۱۲۰
- ۳۵- ابن ناجی، معالم، ج ۳۰، ص ۱۸۲
- ۳۶- ابن ناجی، معالم، ج ۳۰، ص ۱۸۳
- ۳۷- سزگین، GAS, I, 478
- ۳۸- ابن ناجی، معالم، ج ۳۰، ص ۱۸۰ و ۱۸۹
- ۳۹- (ص ۸۳ ب - ۸۷ الف) MS.Ch.Beatly 3168/3
- ۴۰- ماسینیون، ل، (art. Kushairi, 287, SEI)
- ۴۱- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم، لطائف الاشارات، ج ۶، کایرو: [بی تا]. این اثر از التیسیر فی علم التفسیر. قشیری متفاوت است که معمولاً با نام التفسیر الکبیر شناخته شده است و در نسخه خطی (cf. GAL, I, 432, SI, 772) موجود می باشد همچنین معتقدند که در تاریخ ۴۱۰ ق/ ۱۰۱۹ م کامل شده است. نگاه کنید به ر. احمد، «ابوالقاسم القشیری، حکیم الهی خدانشناسی مفسر»، فصلنامه اسلامی، ج ۱۳ (۱۹۶۹) ص ۳۳-۳۹. هر چند H. Ritter بیان کرده که قشیری، گردآوری لطائف الاشارات را در سال ۴۳۷ ق/ ۱۰۴۵ م، شروع کرده، همچنین می گوید التیسیر فی علم التفسیر توسط پسر قشیری، ابو نصر عبدالرحیم (متوفی ۵۱۴ ق/ ۱۱۲۰ م) نوشته شده است؛ نگاه کنید به Philologica XIII, H. Ritter: نسخه خطی عربی نوشته شده در استانبول و Oriens 3, Anatolien (سال ۱۹۵۰)، ص ۴۷-۴۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی